

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۲۷

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳ می ۲۰۲۵

بندر رجایی گلوگاه فساد و جنایت

اصغر کریمی

از معدن تا بندر محل قتل کارگر. به این شعار بازنشستگان باید اضافه کرد از معدن تا بندر و از بندر تا قلب همه شهرها محل اعتراض و خشم و نفرت علیه حکومت است. موجی از همبستگی با بندرعباس و اعتراض به عاملین این فاجعه به جریان افتاده است. از بازنشستگان تا نویسندگان، از تشکل‌های کارگری تا تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، از فعالین حقوق زن و دادخواهان تا روزنامه‌نگاران، از کامیون‌رانان تا فعالین و تشکل‌های دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام و رنگین‌کمانی‌ها شعار دادند و در بیانیه‌های اول مه نوشتند و در تجمعاتشان گفتند که فاجعه بندرعباس یک حادثه نبوده است. هر کدام لیستی از «حوادث» قبلی مانند پلاسکو و متروپل، کشتی سانچی و کمپ ترک اعتیاد، معدن طبرس و یورت و مدرسه شین‌آباد و غیره را ردیف کردند و تسلسل این «حوادث» را یادآوری کردند و انگشتشان را به طرف حکومت و ارگان‌های آن نشانه رفتند. حکومتیان هم تا این لحظه نتوانسته‌اند این را و نقش خودشان را یا لاقط نقش این ارگان و آن ارگان‌شان را کتمان کنند. حتی چماق به‌دستان خانه کارگر مانند صادقی هم مجبور شدند بگویند که مرگ کارگران در اثر حوادث شغلی قتل است نه حادثه.

مردم عاملین این فجایع را می‌شناسند و می‌گویند اگر بی‌توجهی نکرده بودند، اگر به جای سود و دزدی یک‌ذره به فکر مردم بودند، اگر دستشان در جیب کارفرمای معادن و ساختمان‌ها و اسکله‌ها نبود، اگر مشغله‌شان موی سر زنان و کنترل مردم و سرکوب و موشک نبود، این اتفاقات نمی‌افتاد و به همین دلیل می‌گویند حادثه بندر رجایی هم یک جنایت بود. یک جنایت حکومتی. چون قابل‌پیش‌بینی و پیش‌گیری بود و در مورد آن هشدار داده شده بود. چون مفت‌خوران حاکم نخواسته بودند یک‌ذره به فکر امنیت مردم باشند. اگر یک طرف ماجرا حکومت است و سود و اختلاس و قاچاق و فساد، آفازاده و خامنه‌ای و سپاه و اسلام و جنایت، طرف دیگر انسانیت است و همدردی و همبستگی، آگاهی و خشم و نفرت و اعتراض و امید. اگر برای حکومتیان و رسانه‌هایشان قربانیان فقط «اعداد» هستند، برای مردم انسان‌اند، انسان‌هایی پر از احساس و عشق و عاطفه، پر از امید و آرزو و تلاش و سازندگی و چه دره عمیقی است میان مردم و این حاکمان که به‌راستی بویی، هیچ بویی، از انسانیت نبرده‌اند.

این دیگر ورد زبان همه مردم است که مشتی فسیل و طفیلی، دزد و قاجاچی ناانسان زندگی ۸۰ میلیون نفر را در چنگ خود گرفته‌اند. این به آگاهی جامعه تبدیل شده است که مرگ مهسا تا دستگیری فعالین کارگری، اعدام و حجاب اجباری، اختلاس و دزدی و نیابتی و اسلام، فقر و بیکاری و اعتیاد و تجاوز

ادامه در صفحه ۳

فاجعه بندرعباس و پیامدهای آن

تدوین شده بر مبنای برنامه پاسخ در کانال جدید

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری اسلامی

مسئول انفجار در اسکله رجایی است

صفحه ۴

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

قربانیان انفجار بندر رجایی، قربانیان حکومت‌اند

صفحه ۵

حکومت جنایت و فاجعه را سرنگون می‌کنیم!

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۶

در روز جهانی کارگر علیه جانان حاکم پیا خیزیم!

متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوایی به مناسبت اول ماه مه

صفحه ۷

نگاهی به اول ماه مه امسال

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۸

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر؛ ۱۴۰۴

صفحه ۱۰

روز جهانی کارگر، روز زندگی است

کیوان جاوید

صفحه ۱۱

جنایات جمهوری اسلامی را

بی‌پاسخ نخواهیم گذاشت

مهران محبی

صفحه ۱۲

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین

حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با بهنام ابراهیمزاده

صفحه ۱۳

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۶



فاجعه بندرعباس و پیامدهای آن

دوین شده بر مبنای برنامه پاسخ در کانال جدید

حکومت در کار است. مسئله فقط سهل انگاری نیست. قضیه فقط مدیریت فاسد و بی ارزشی جان انسان ها و غیره نیست. بلکه حکومت اثباتاً نقش تعیین کننده ای در رخداد این فاجعه داشته است. الان حتی رسانه های داخل کشور می گویند که شرکت سینا که در محوطه آن ها این مواد شیمیایی بسیار خطرناک انبار شده بوده شرکتی متعلق به سپاه پاسداران است. مقامات گمرک جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که هیچ اطلاعی در مورد نوع اجناس و محموله هایی که در این قسمت آمده نداشته اند؛ چون تحت اختیار آنها نبوده است. به این ترتیب از همین قدم اول به اعتراف خودشان معلوم می شود که وارد و انبار کردن این مواد شیمیایی یکی از پروژه سپاه بوده که بدون اطلاع حتی مسئولین گمرک و احتمالاً بدون رعایت همان قوانین نیم بندی که درباره این موارد دارند با تصمیمات خود سپاه اتفاق افتاده؛ مثل همه کارهای دیگری که سپاه و بسیج انجام می دهند. ببینید در ایران بنادر ملک خصوصی سپاه و بسیج و غیره محسوب می شود و اینها هر چه بخواهند وارد و صادر می کنند و به کسی جوابگو نیستند (شرکت سینا به تنهایی ۵۷ درصد کانتینرها و فعالیت های مربوط به آنها در کل کشور را اداره و کنترل می کند). اینها حتی قوانین خودشان را هم رعایت نمی کنند. فاجعه بندرعباس را باید بر این متن بررسی کرد.

این واقعیات نشان می دهد که مسبب و عامل و مسئول اصلی این فاجعه خود جمهوری اسلامی است و مردم هم کاملاً این را می دانند. برای جامعه روشن است که چه کسی. و چه نیرویی را باید اینجا مسئول دانست و در مقابلش ایستاد.

این نکته را هم باید بگویم که این انفجار در عین حال نشان دهنده خطرناک بودن کل پروژه هسته ای رژیم از زاویه زندگی مردم در خود ایران است. پروژه هسته ای رژیم مستقل از اهدافش، صرف نظر از اینکه پروژه ای برای تهیه بمب اتم باشد و یا برای مصارف غیر نظامی، می تواند نتایج هولناک و مرگباری برای کل جامعه داشته باشد. جمهوری اسلامی حکومتی نیست که بتواند چنین صنعت خطرناکی را که تمهیدات بسیاری لازم دارد اداره و مدیریت بکند. احتمال حوادثی نظیر چرنوبیل در جمهوری اسلامی بسیار بالاست. این حکومتی است که فساد و دزدی و چپاول در آن بیداد می کند و آخرین چیزی که برایش مطرح است حفظ سلامت و ایمنی مردم

حسن صالحی: انفجار هولناک و مرگبار بندرعباس همه چیز را تحت الشعاع خودش قرار داده است. در اثر این فاجعه تعداد زیادی از شهروندان جان خودشان را از دست دادند. آمار حکومتی تعداد کشته شدگان را ۷۰ نفر و مصدومین را ۱۲۰۰ نفر اعلام می کند؛ ولی منابع دیگر می گویند تعداد کشته شدگان و مجروحان با توجه به ابعاد انفجار و آتش سوزی بسیار بیشتر از این است. مردم جمهوری اسلامی را مسئول می دانند و این فاجعه به خشم و نفرت عمومی علیه حکومت دامن زده است. چهار روز است از این واقعه می گذرد و حکومت هنوز هیچ توضیحی در این مورد که چرا چنین اتفاقی افتاده است. در مورد این رخداد غم انگیز و اسفبار چگونه فکر می کنید و چه ارزیابی ای دارید؟

حمید تقوایی: ابتدا لازم است همدردی خودم را با خانواده هایی که عزیزانشان را در این حادثه از دست داده اند اعلام کنم. این فاجعه موجی از غم و اندوه و در عین حال خشم و نفرت مردم از حکومت را به دنبال داشت. همانطور که گفتید مردم به درست جمهوری اسلامی را مسئول این فاجعه می دانند. نه تنها حکومت هنوز علت این مسئله را اعلام نکرده و هنوز حتی تلاش نکرده که مسئله را از این نظر بررسی کند، بلکه خودش مانعی بوده در برابر افشاشدن حقایق در مورد این حادثه. از همان روز اول حکومت به رسانه ها هشدار داد و آنها را تهدید کرد که در این مورد اطلاع رسانی نکنند، "تشویش اذهان" نکنند و به این ترتیب جلوی انتشار اخبار را گرفت. همیشه سیاست و عملکرد حکومت در قبال چنین فجایعی همین بوده است. جمهوری اسلامی را باید در کنار فاجعه قرار داد و نه در کنار مردم!

این اولین بار نیست که چنین سانحه ای رخ می دهد و اولین بار نیست که شاهد چنین سیاستی از جانب حکومت هستیم. در فجایعی نظیر آتش سوزی ساختمان پلاسکو، فروریزی ساختمان متروپل در آبادان، موارد متعدد ریزش معادن و جان باختن کارگرانی که زیر آوار مدفون می شوند، اتوبوس های مدارس که در این سفرهای اسلامی که براه می اندازند به دره می افتند، حتی در سوانحی نظیر زلزله ها و سیل ها و غیره، نه تنها حکومت کمکی به مردم نمی کند؛ بلکه خود مستقیم و غیرمستقیم عامل و یا مسئول فاجعه است و به همین خاطر است که همیشه تلاش کرده است از روشن شدن حقایق در رابطه با این اتفاقات جلوگیری کند. در این مورد مشخص همه شواهد حاکی از آن است که مستقیماً دست

فاجعه بندرعباس و پیامدهای آن

از صفحه ۲

است. ما همیشه بر این تأکید کرده‌ایم که نیروهای مترقی و آزادی‌خواه باید با نفس پروژه هسته‌ای حکومت مخالفت کنند و اکنون فاجعه بندرعباس تجربه تلخی است که بر ضرورت این امر تأکید می‌کند.

حسن صالحی: بعد از ۴ روز که از این واقعه می‌گذرد هنوز نتوانسته‌اند آتش را خاموش کنند و گفته‌اند به زمان بیشتری نیاز است. من با دوستی که در تهران است صحبت می‌کردم می‌گفت که مردم بندرعباس به‌خاطر آلودگی شدید هوا بعد از این انفجار درخواست ماسک کرده‌اند؛ اما متأسفانه ماسک به‌اندازه کافی وجود ندارد. از نظر شما پیامدهای این آتش‌سوزی چیست؟ چه کار باید کرد؟

حمید تقوایی: خودشان اعلام کرده‌اند که حداقل ۲۰ روز طول می‌کشد تا کاملاً آتش مهار بشود و تا همین‌جا حجم عظیمی از آلاینده‌ها، از گازه‌های سمی و موادی که تنفسش واقعاً می‌تواند برای خیلی‌ها مرگ‌زا باشد در فضا پخش شده است. انفجار در یک محوطه نسبتاً محدودی در خود بندر بوده؛ ولی مثل یک زلزله شدید عمل کرده و تا فاصله چندین کیلومتر زمین را لرزاند، شیشه‌ها را شکسته، و حتی به منازلی که چندین کیلومتر از مرکز انفجار فاصله داشته‌اند خسارت وارد کرده است. یعنی اولاً تخریب و آوار فقط به منطقه بندر محدود نیست و ثانیاً موادی که در فضا پخش می‌شود در همان مرکز انفجار باقی نمی‌ماند و کل فضای شهر را آلوده می‌کند.

به همین دلیل است که همانطور که اشاره کردید مردم در پی تهیه ماسک هستند. مردم خودشان دارند به دنبال راه‌حلی می‌گردند؛ چون برای جمهوری اسلامی اصلاً چنین مسائلی مطرح نیست. حتی هنوز اعلام نشده که این گازه‌های سمی از چه نوعی هستند و برای خنثی کردنشان چه باید کرد. اگر ذره‌ای حساب و کتاب در کار می‌بود می‌باید این مواد خطرناک سمی دور از شهرها و به‌طور جداگانه از سایر محمولات و با تمهیدات ایمنی ویژه‌ای انبار می‌شد. ولی چنین انتظاراتی از حکومت نمی‌توان داشت. همانطور که اشاره کردم این رژیم همدست فاجعه است و نه در کنار مردم!

بنابراین، یک مسئله مهم، عواقب مرگ‌زا و ضدانسانی این فاجعه است که مقابله با آن را باید مردم با اعتراضات خودشان به حکومت تحمیل کنند. این پیامدها می‌تواند و باید به حداقل برسد. قبل از هر چیز باید عواقب و مضراتی که حداقل در این بیست روز که هنوز آتش مهار نشده می‌تواند اتفاق بیفتد را خنثی کرد. اینکه تا چه مدت پاک‌سازی هوا و محیط‌زیست به طول می‌انجامد روشن نیست؛ ولی این مسلم است که برخلاف فجایع قبلی مثل ریزش ساختمان‌ها و معادن، فاجعه بندرعباس عواقب درازمدت مخربی برای محیط‌زیست و برای جان و سلامت انسان‌ها خواهد داشت. این به عهده خود مردم است که متشکل بشوند، اعتراض کنند و خواسته‌هایشان در رابطه با این فاجعه را به حکومت تحمیل کنند. خانواده‌ها، جان‌باختگان و همه مردم شریف و آزاده‌ای که جان انسان‌ها برایشان اهمیت دارد باید به میدان بیایند و اجازه ندهند که این رخداد سلامت شهروندان را بیش از این به خطر بیندازد و تلفات بیشتری داشته باشد.

اما علاوه بر مسائل مربوط به سلامت مردم و حفاظت محیط‌زیست باید خواست‌های مشخص دیگری نیز مطرح کرد. نظیر اینکه مسئولین این حادثه باید شناسایی و به مردم معرفی بشوند و تحت تعقیب قرار بگیرند؛ مجروحین باید تحت درمان مناسب قرار بگیرند؛ به خانواده‌های جان‌باختگان و مجروحین باید غرامت پرداخت بشود؛ فشار بر رسانه‌ها و مطبوعات باید کلاً برداشته شود و حقایق مربوط به این فاجعه باید به اطلاع مردم برسد، و خواست‌های مشخص دیگری از همین قبیل. فی‌الحال کارگران بازنشسته با شعار "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" به خیابان آمده‌اند. این را باید الگو قرار داد و علیه حکومتی که بندر و معدن و پاساژ و حتی هواپیمای مسافربری را به قتلگاه مردم تبدیل کرده است متحد و یکپارچه به میدان آمد.

این نبرد می‌تواند و باید جبهه مهمی در انقلاب زن زندگی آزادی باشد. این وظیفه همه ما فعالین جنبش کارگری، دست‌اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و همه چهره‌ها و نهادها و احزاب چپ و آزادی‌خواه است که نبرد پیگیر علیه فجایعی که جمهوری اسلامی مسبب و عامل آن است را به عرصه مهمی در مبارزه برای به زیر کشیدن حکومت تبدیل کنیم. در نهایت سرنگونی جمهوری اسلامی است که می‌تواند کل جامعه را برای همیشه از شر این جنایات و فجایع هولناک رها سازد.

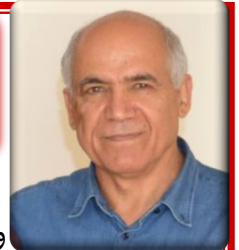
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳۰ آوریل ۲۰۲۵

به صاحبان قدرت و ثروت به‌عنوان عاملان فاجعه تلخ و خونین بندرعباس آمده است:

ما برای دستیابی به «آزادی و برابری، رفاه همگانی، سکولاریسم، مدرنیسم، امنیت، عدالت اجتماعی، رفع فوری هرگونه تبعیض طبقاتی، جنسی - جنسیتی و اتمیتی، بهداشت و درمان رایگان، بیمه بیکاری و درمان کارآمد برای همگان، تحصیل رایگان و اجباری مطابق آخرین استانداردهای جهانی برای همه کودکان، آموزش جنسی. استاندارد در مدارس، ممنوعیت کامل کار کودک، پاک‌سازی مدارس و دانشگاه‌ها از آموزش دینی و نیروی نظامی و امنیتی، آزادی بی‌قیدوشرط بیان و اندیشه و عقیده، آزادی اعتراض و اعتصاب و تجمع و تشکل و حزب، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات شکنجه اعدام، بهرسمیت شناختن کامل حقوق افراد LGBTQIA+، و تحقق کامل مطالبات زنان طبق منشور پیشرو زنان ایران و منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های صنفی»، انقلاب زن زندگی آزادی را فرصتی تاریخی می‌دانیم و تأکید داریم برای گرفتن این حقوق اولیه انسانی که نجات میلیون‌ها انسان را تضمین می‌کند، در گام اول می‌بایست این نظام را از سر راه خود برداریم. و برای تحقق این اهداف هر چه فراگیرتر شبکه‌ها، نهادها و تشکل‌هایمان را حول اهداف آزادی‌خواهانه‌مان گسترش دهیم و نهادها و شبکه‌های بیشتری سازمان دهیم.*

بندر رجایی گلوگاه فساد و جنایت

از صفحه نخست



و زن‌کشی. و خودکشی. و غیره همه به هم مربوط‌اند. همه یک ریشه و یک دلیل دارند: نظامی به نام جمهوری اسلامی، سرمایه‌داری، دزدسالاری، حکومت مذهبی و راه‌حل نیز یکی است نابودی این نظام. بی‌جهت نیست که هر اتفاقی چه دستگیری یک زن بی‌حجاب یا اعدام یک زندانی، هر اختلاس و هر فاجعه‌ای مانند آنچه در بندر رجایی اتفاق می‌افتد از مدرسه تا دانشگاه و کارخانه و کوچه و خیابان، همه سراپا خشم می‌شوند و پرچم اعتراض را برافراشته‌تر نگه می‌دارند و جمع‌ها و شبکه‌ها و اتحادهایشان را محکم‌تر می‌کنند.

اما در اردوی دشمنان مردم، روند معکوسی در جریان است. بحران‌های لاعلاج، وارفتن و ریزش، افشای یکدیگر، گسترش نفرت علیه رهبر، بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی به نظام، بی‌افقی و بی‌روحیه‌گی در صفوف نیروی سرکوب و ریزش اصول کثیف اعتقادی‌شان.

در بیانیه‌ای که به مناسبت اول مه توسط تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و فعالین طیف‌های مختلف جامعه منتشر شد ضمن اشاره

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری اسلامی مسئول انفجار در اسکله رجایی است

را با سرکوب جواب می دهد عامل مستقیم و اصلی تمام انفجارها و حوادثی است که در بنادر و معادن و بسیاری جاهای دیگر اتفاق می افتد. بعد از هر فاجعه ای مقامات خودی در محل فاجعه نشان می دهند، قول و وعده ای می دهند و طبق معمول هیچ اقدامی انجام نمی دهند. هر سال صدها نفر در معادن و کارخانه ها و یا ساختمان هایی مانند پلاسکو تهران و متروپل آبادان جانشان را از دست می دهند و یا دچار مصدومیت های شدید و نقص عضو می شوند؛ اما حکومت نه غرامتی بابت این لاقیدی ها می پردازد و نه تلاشی برای جلوگیری از این حوادث می کند. وقتی می توان جلوی یک فاجعه را گرفت و گرفته نمی شود، باید از یک جنایت صحبت کرد. حکومت اسلامی مسئول ناامنی حاکم بر کل جامعه است.

فاجعه امروز باید جامعه را به حرکت درآورد. این مسئله به همه ما مربوط است. به همه ما کارگران معادن و کارخانه ها و کارگاه ها، دانشجویان، فعالین حقوق زن، بازنشستگان و کادر بیمارستان ها، دادخواهان و دانش آموزان، رانندگان، هنرمندان، نویسندگان و وکلا و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی. فراخوان ما به همه تشکل ها و مردم آزاده این است که با مصدومین و خانواده های جان باختة این فاجعه اعلام همبستگی کنند.

حکومت و ارگان هایش را باید شدیداً محکوم کرد. باید قاتلان حاکم را وادار کرد بساط اتمی و موشکی شان را جمع کنند. باید وادار کرد که مصدومین این فاجعه را با بهترین امکانات درمانی مورد معالجه قرار دهند و به خانواده های جان باختة و به مصدومین غرامت لازم بپردازند. این حکومت سزوار مرگ و نابودی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۶ آوریل ۲۰۲۵

در انفجار مرگبار امروز ۶ اردیبهشت در منطقه ویژه اقتصادی اسکله رجایی در بندرعباس گفته می شود که متأسفانه بیش از ۷۰۰ نفر از مردم مجروح شده و تعدادی که هنوز آمار آن روشن نیست جانشان را از دست داده اند. تعدادی نیز زیر آوار مانده اند. رئیس پلیس هرمگان گفته است که تعدادی مفقود شده اند. خسارات زیادی نیز به ساختمان ها و خودروهای اطراف وارد شده است. شاهدان عینی و مردم محل می گویند آمار جان باختگان بسیار بیشتر از شمار معدودی است که حکومت اعلام کرده است. حزب کمونیست کارگری صمیمانه به خانواده های جان باختة تسلیت می گوید.

ارگان های حکومتی به شیوه همیشگی دروغ می گویند و حاضر به اطلاع رسانی در مورد دلیل واقعی این انفجار و تلفات مردم نیستند، منطقه را نظامی کرده اند و دادستانی کل کشور روزنامه نگاران و فعالین شبکه های اجتماعی را تهدید کرده است که گزارش دهی و گمانه زنی نکنند تا امنیت روانی جامعه مخدوش نشود!

گفته می شود که این انفجار به دلیل محموله های شیمیایی خطرناک که برای مصارف موشکی در این بندر نگهداری می شده بوده است. نهادهای ایمنی قبلاً در مورد خطر انفجار هشدار داده بودند. صرف نظر از هر دلیلی که این انفجار داشته است یک چیز روشن است لاقیدی مقامات و ارگان های حکومت در اتخاذ تدابیر امنیتی در مورد نگهداری محموله های شیمیایی و خطرناک. حکومت مسئول اصلی و مستقیم این فاجعه است و مردم به درست انگشت اتهام را به طرف حکومت می گیرند.

حکومتی که نه تلاشی در ایمن سازی معادن و جلوگیری از فجایع هر روزه در معادن و نه فکری به حال ساختمان های ناامن مدارس و بیمارستان ها و نه توجهی به جان مسافران جاده ها می کند و اعتراض مردم

چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده اند. در واقع می توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

قربانیان انفجار بندر رجایی، قربانیان حکومت اند

عامل این جنایت هولناک می‌دانند.

عاملین این جنایت همان‌ها هستند که دستور شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی را دادند، همان‌ها که در تبانی با مالکان معادن هر سال ده‌ها نفر از کارگران را قربانی می‌کنند، همان‌ها که دستشان در دست مالک متروپل و پلاسکو بود و علی‌رغم هشدارها و گزارشاتی مبنی بر ناامن بودن این ساختمان‌ها گذاشتند تا تعداد زیادی از مردم و آتش‌نشانان زیر آوار مدفون شوند. عاملین این جنایت همان‌ها هستند که فکری به حال صدها و هزاران مدرسه ناامن و ده‌ها بیمارستان ناامن نمی‌کنند. همان‌ها که اولویتشان دزدی و چپاول است، بمب و موشک است، مساجد و گله آخوند و نیروهای نیابتی است، حجاب و سرکوب زنان و مردم معترض و دخالت در کوچک‌ترین مسائل خصوصی زندگی مردم است. همان‌ها که دوربین‌هایشان همه‌جا برای کنترل زنان بی‌حجاب و مردم معترض نصب شده است؛ اما جان و ایمنی مردم پیش‌تری برایشان ارزش ندارد.

پاسخ مردم پافشاری بیشتر بر سرنگونی تمام‌عیار این حکومت و جناح‌ها و ارگان‌های فاسد و سرکوب این حکومت است. پاسخ مردم همبستگی با خانواده‌های داغدار بندرعباس و کارگران و رانندگان بندر است. موج همبستگی را باید هر چه بیشتر تقویت کرد. شهر به شهر و کارخانه به کارخانه، دانشگاه به دانشگاه و مدرسه به مدرسه و همه‌جا به میدان بیاییم، موج همبستگی را به یک طوفان اعتراض تبدیل کنیم و خواهان محاکمه بالاترین مقامات حکومت شویم که عاملین اصلی این جنایت و جنایات هر روزه دیگر هستند. انفجار و کشتار بندر رجایی باید همه ما مردم را برای ادامه انقلاب و سرنگونی هرچه سریع‌تر این ماشین مرگ و چپاول و اعدام و جنایت، متحدتر و مصمم‌تر نماید.

نابود باد حکومت دزد و فاسد و قاتل اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۹ آوریل ۲۰۲۵

علیه فاجعه بندر رجایی موجی از اعتراض به حکومت و همبستگی با مجروحین و بازماندگان جان‌باختگان فاجعه در این بندر شروع شده است. مردم به درست رژیم را بانی به‌آتش کشیدن کارگران و کارکنان و رانندگان در بندر رجایی می‌دانند و می‌گویند این حادثه نیست و انگشت اتهام را به‌طرف حکومت نشانه می‌روند. از جمله چهار تشکل کارگری در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که این حادثه نیست جنایت است. حتی ارگان‌های خود حکومت نیز اعتراف کرده‌اند که ارگان‌های رقیبشان در حکومت عامل این اتفاق بوده‌اند و به هشدارها توجهی نکرده‌اند.

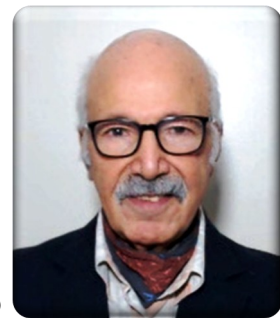
ما در اطلاعیه ۶ اردیبهشت اعلام کردیم که وقتی می‌توان جلوی یک فاجعه را گرفت و گرفته نمی‌شود، باید از یک جنایت صحبت کرد. اکنون رسانه حکومتی تابناک انگشت اتهام را به‌طرف سازمان بنادر و وزارت راه و شهرسازی گرفته و می‌گوید هفت ماه قبل نسبت به خطرات ناشی از تل گوگرد در محوطه ۲۰۰ هکتاری این اسکله و اینکه پای منافع «کسانی» در میان است، هشدار دادیم؛ اما بی‌توجهی کردند و اگر هشدار جدی گرفته می‌شد امروز شاهد چنین فاجعه‌ای نبودیم. استاندارد همرزگان نیز به‌عنوان رئیس کمیته تحقیق حکومت گفته است که «یک‌سری نتایج مقدماتی از باب اینکه ممکن است سهل‌انگاری‌های در این زمینه اتفاق افتاده باشد، حاصل شده است و تعارفی هم نداریم؛ هر کسی که قصوری در این زمینه داشته است، در مسیر برخورد قانونی قرار می‌گیرد.» منظورش از تعارفی نداریم این است که عامل این «سهل‌انگاری» مقاماتی از حکومت‌اند. نتیجه کار این کمیته کذابی تحقیق نیز از همین‌الان روشن است انتقادی آبی به یک ارگان و یک باند و جناح حکومت می‌کنند و احتمالاً یکی دو کارمند جزء را بازداشت می‌کنند اما مردم به درست کل نظام را نشانه گرفته‌اند. برای مردم علی‌السویه است که کدام مقامات و کدام ارگان‌ها یا کدام جناح‌ها و کدام دولت‌های سال‌های گذشته عامل این جنایت بوده‌اند. مردم کل حکومت را که در تمام این ۴۶ سال مرگ و ناامنی هر روزه‌ای را به مردم تحمیل کرده است

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

حکومت جنایت و فاجعه را سرنگون می‌کنیم!



کاتم نیک‌خواه

و کارکنان و مردم کمترین امکانات را اختصاص می‌دهند. آیا نمی‌شود مانع این فجایع شد؟ دقیقاً بحث بر سر همین است. مردم همه می‌دانند که حکومت مسئول فاجعه رجایی شهر است. می‌دانند که حکومت و سیستم حاکم عامل فجایع و آتش‌سوزی‌ها و فروریختن ساختمان‌ها و امثال اینها است. می‌دانند که حکومت و سیستم ضدانسانی حاکم عامل قربانی شدن دو سه هزار کارگر در هر سال در سوانح محیط کار است. آتش‌سوزی‌ها و انفجارها و فروریختن مدارس و ساختمان‌ها و هزار فاجعه دیگر مستقیماً به سیستمی که مثل آب‌خوردن آدم می‌کشد و تروریسم را دامن می‌زند، مربوط است. این سیستم و این حکومت عامل این فجایع است. نمی‌شود از حکومت ضد زندگی و آدمکش انتظار امن کردن جامعه را داشت. اینها را مردم همه می‌دانند.

فکر نمی‌کنم در میان مردم کسی. در این مورد که عامل تمام فجایع حکومت است و این حکومت باید سرنگون شود، تردیدی داشته باشد. اما عملی شدن آن با مانع خود حکومت و جنایت‌هایش روبرو می‌شود.

انقلاب زن زندگی آزادی راه خلاص شدن از حکومت را به روشنی نشان داد. آن انقلاب در دل جنایات حکومت شکل گرفت و گرچه کار را هنوز تمام نکرده است، اما ضربات کاری به حکومت و سنت‌ها و خاکی‌هایش وارد کرد و حجاب و آپارتاید جنسی. را باطل کرد و صفوفش را به هم ریخت و کل حکومت را در وضعیت دفاعی و وحشت قرار داد. تأثیرات و فضای آن انقلاب همچنان در اشکال و ابعاد دیگری ادامه دارد. ادامه و گسترش انقلاب با عزم و اراده ما مردم هم عملی و امکان‌پذیر است و هم فضای جامعه نشان می‌دهد که اجماع و هم‌نظری اجتماعی وسیعی در مورد آن وجود دارد. زن و مرد و بازنشسته و جوانان و حتی دانش‌آموزان مدارس با روحیه بالا بر سر این جهت‌گیری متفق‌القول‌اند که می‌توان حکومت را با انقلاب عقب راند و شکست داد و به زیر کشید. امروز جمهوری اسلامی از هر زمان منزوی‌تر و ضعیف‌تر و مفلوک‌تر است و صفوفش به شدت تضعیف شده و درهم‌ریخته است. می‌توان بسیار امیدوار بود که سال جاری سال ادامه وسیع‌تر و قدرتمندتر انقلاب به همراه خیزش‌ها و اعتصابات و اعتراضات میلیونی کارگران و مردم، و سال سرنگونی جمهوری اسلامی و شروع برپایی جامعه‌ای شاد و آزاد و انسانی و امن برای همگان باشد. سال برپایی جامعه و نظامی انسانی که در آن حرف اول را مردم می‌زنند و به زندگی تک‌تک شهروندان ارج گذاشته می‌شود.

فاجعه انفجار و آتش‌سوزی عظیم بندر رجایی در بندرعباس، شمار زیادی از کارگران و مردم را قربانی کرد. حکومت اسلامی آمار دقیقی نمی‌دهد. کوچک‌نمایی می‌کنند و قطره‌چکانی آمار را افزایش می‌دهند تا مانع شوک و اعتراضات گسترده اجتماعی شوند. آمارهایی که بعد از چند روز به دست آمده بسیار تکان‌دهنده است. بیش از ۱۲۰ کشته، بیش از هزار آسیب‌دیده و ده‌ها مفقود. خانواده‌های بسیاری اکنون در سوگ عزیزانشان داغدارند. خانواده‌های بسیاری نان‌آورانشان دچار آسیب‌دیدگی‌های غیرقابل جبران شده‌اند و جدا از هر چیز در نگرانی آینده در شوک و نگرانی به سر می‌برند. تمام شرایط نشان می‌دهد که انبارکردن محموله‌های خطرناک و غیر امن برای مصالح انفجاری و موشکی و غیره عامل این فاجعه بوده است. مردم عمیقاً در خشم و انزجار از حکومت جنایت‌کاری هستند که دست‌اندرکارانش تنها حرفه‌ای که خوب می‌دانند چپاول و ترور و جنگ و جنایت است. می‌چاپند و می‌دزدند، ثروت می‌اندوزند و از قبل جنایت و مرگ‌آفرینی پروار می‌شوند و برایشان ذره‌ای مرگ و نیستی کارگران در اثر چنین فجایعی اهمیتی ندارد.

حکومت اسلامی به راستی حکومت فاجعه و جنایت و مرگ است. درست در همین روزها که مرگ در رجایی شهر کارگران را درو کرد، طناب‌های دارشان برپا بود و از جمله یک زندانی بنام محسن لنگرنشین را بعد از شکنجه و پرونده‌سازی‌ها، به جرم جاسوسی اعدام کردند. چند روز پیش از آن حمید حسین‌نژاد یک زندانی سیاسی را که با کولبری زندگی می‌کرد اعدام کردند و هر روز شماری زندانیان منتسب به جرائم عادی، با اتهامات مختلفی اعدام می‌شوند و خانواده‌هایشان به سوگ و عزای می‌نشینند. همه این اعدام‌ها اساساً با هدف مرعوب کردن جامعه صورت می‌گیرد. آتش‌سوزی‌ها و فجایع مختلف نیز مدام دارد از مردم قربانی می‌گیرد. در همین روزها در تهران چندین آتش‌سوزی صورت گرفت که در یکی از آنها یک نوجوان ۱۵ ساله و یک مرد ۶۰ ساله جانشان را از دست دادند. محیط‌های کار نیز قتلگاه کارگران است و هر سال دو سه هزار کارگر را قربانی می‌کند. فجایع یکی و دوتا نیست که بشود به طور مشخص از آنها سخن گفت. حکومت اسلامی نه فقط اطلاع‌رسانی نمی‌کند؛ بلکه مانع اطلاع‌رسانی منابع مستقل می‌شود.

سؤال این است که چرا در ایران این همه فاجعه و حادثه و مرگ را شاهدیم؟ چه باید کرد که مانع این فجایع شد؟ چرا این چنین است؟

تمام ماجرا دقیقاً به حکومت و یک سیستم سرمایه‌داری برده‌وار و ضدانسانی مربوط است. حکومتی که ذره‌ای برای جان مردم ارزش قائل نیست. مرگ و نیستی هویت این حکومت است. به راحتی آب‌خوردن انسان‌ها را دستگیر می‌کنند. به راحتی آب‌خوردن آدم می‌کشند. به راحتی آب‌خوردن در محیط‌های کار و همه‌جا از ماشین‌ها و ساختمان‌ها و ابزارهای ناامن پول‌های عظیم پارو می‌کنند و از زیر بار مسئولیت حفاظت از زندگی کارگران و مردم شانه خالی می‌کنند. دزدی و چپاول کار اصلی‌شان است. بودجه‌های عظیمی را صرف تروریسم و کشتار در ایران و در خارج از ایران می‌کنند؛ اما برای ایمن‌سازی و حفاظت از جان کارگران

جمهوری اسلامی
سرنگون باید گردد!

در روز جهانی کارگر علیه جانان حاکم پیا خیزیم!

متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوایی به مناسبت اول ماه مه



برخوردار بوده است، و جامعه همواره به همراه کارگران اعتراض خودش را به کل بساط چپاول جمهوری اسلامی اعلام کرده است.

اکنون قریب به سه سال است، از مقطع قتل حکومتی ژینا مهسا امینی تا امروز، این اعتراضات شکل یک جنبش انقلابی عظیم را به خود گرفته است: انقلاب زن زندگی آزادی که گرچه روزهای اوج تظاهرات خیابانی خود را پشت سر گذاشته ولی می‌رود تا با قیام کوبنده‌تری دوباره به میدان بیاید. این انقلاب امروز در شکل یک جنبش فعال و وسیع و پیگیر سرنگونی طلبانه در ابعاد مختلفی ادامه دارد. اعتراضات کارگران و بازنشستگان با پرچم و شعار اتحاد علیه فقر و فساد، جنبش عظیم زنان آزادی‌خواه علیه حجاب و دیگر مظاهر آپارتاید جنسیتی که تا حد زیادی موفق بوده و با قدرت دارد به پیش می‌رود، جنبش دادخواهی که در پی این است که جنایت کاران حاکم، قاتلین عزیزان مردم را بیای میز محاکمه بکشد، جنبش علیه اعدام و اعتصاب زندانیان در سه‌شنبه‌های علیه اعدام و در اعتراض به وضعیت زندان‌ها و شکنجه و چوبه‌های دار، جنبش پرستاران، معلمان، دانشجویان جوانان و نوجوانانی که آغازگر انقلاب زن زندگی آزادی بودند، جنبش رنگین‌کمانی‌ها، جنبش مدافعین محیط‌زیست و در یک کلام اعتراضات ۹۹ درصدی‌ها و بخش‌های مختلف جامعه با خواست‌های برحق و انسانی، امروز جلوه‌ها و نبردهای مشخصی از این انقلاب عظیم زن زندگی آزادی هستند. انقلابی که به‌عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ توجه همه آزادی‌خواهان جهان و حمایت آنها را به خود جلب کرده است.

جا دارد، می‌توانیم و باید بکشیم که اول مه امسال به نقطه اوج دیگری در این روند انقلابی تبدیل شود.

یکپارچه و متحد در روز ۱۱ اردیبهشت به خیابان‌ها می‌آییم و فریاد اعتراضمان را علیه کل این بساط چپاول و جنایت بلند می‌کنیم.

زننه بار روز جهانی کارگر!

زننه‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۲۹ آوریل ۲۰۲۵

فرارسیدن روز جهانی کارگر را به کارگران و مردم آزاده در ایران و در جهان تبریک

می‌گوییم.

امسال در ایران در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که به دنبال فاجعه هولناک انفجار در بندر رجائی غم و اندوه و خشم عمیقی جامعه را فراگرفته است. شعار "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" که بازنشستگان در تجمعات اعتراضی‌شان سر دادند در واقع نشانه و نماد این غم و اندوه و خشم کل جامعه است. یازده اردیبهشت امسال، روز جهانی کارگر، فرصتی است تا همه ما هم‌دوش کارگران و بازنشستگان علیه حکومتی که چنین جنایت‌هایی را می‌آفریند همبسته و یکپارچه به خیابان‌ها بیاییم.

این اولین بار نیست که چنین فجایی در جمهوری اسلامی رخ می‌دهد، ولی می‌تواند و باید تلاش کنیم که آخرین آن باشد و اول ماه مه امسال یکی از روزهایی است که این تلاش ما می‌تواند شکل یک اعتراض فراگیر و متحد و یکپارچه را به خود بگیرد.

اول مه در همه کشورها روز اعلام کیفرخواست علیه نظام بردگی مزدی و علیه حکومت یک اقلیت مفت‌خور سرمایه‌دار است. در ایران این اقلیت مفت‌خور آیت‌الله‌های میلیاردی و دارودسته‌های مافیایی وابسته به آنها هستند که بیش از ۴۵ سال است خون مردم ایران را در شیشه کرده‌اند. تمام این مصائب، رنج‌ها، فقر و ناایمنی اقتصادی، بی‌حقوقی، شرایط سخت معیشتی، و زندان و شکنجه و اعدام که این حکومت به مردم ایران تحمیل کرده است تلاشی است برای حفظ موقعیت این یک درصد مفت‌خور سرمایه‌دار اسلامی در رأس قدرت و برای حفظ سلطه و ثروت بادآورده‌شان.

جامعه علیه این حکومت مدام در حال مبارزه بوده و جنگ گسترده‌ای بین مردم ایران و جمهوری اسلامی همیشه در جریان بوده است. در تمام سال‌هایی که از عمر منحوس این حکومت می‌گذرد اعتراض کارگران علیه مفت‌خوران حاکم در تجمعات ۱۱ اردیبهشت از حمایت و اعلام همبستگی بخش‌های مختلف جامعه، دانشجویان و مردم آزاده ایران،

زننه‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تعزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم‌وکاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای

نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

نگاهی به اول ماه مه امسال

گفت و گو با شهلا دانشفر



به باور من انتشار یک چنین بیانیه‌ای با چنان امضاهایی یک دستاورد بزرگ اول ماه مه امسال است. بیانیه‌ای که می‌تواند پلاتفرم مبارزه جامعه بعد از روز جهانی کارگر باشد و این روز را به نقطه عطفی در روند پیروزی انقلاب تبدیل کند.

بیانیه مهم دیگر اول ماه مه امسال از سوی یازده تشکل کارگری - اجتماعی بود که نهادهایی از کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، فعالین دفاع از حقوق زن، دادخواهان و جنبش علیه اعدام، را در بر می‌گرفت. نهادهایی که یک پای مهم اعتراضات کف خیابان و فراخوانی‌های اعتراضی در عرصه‌های مختلف مبارزات مردمی هستند. از همین رو بیانیه مشترک این نهادها بیانگر اتحاد مبارزاتی اکتیویست اجتماعی و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی است که تقویت بخش روند مبارزات در سطح جامعه است. علاوه‌ما شاهد انتشار بیانیه‌های مستقل از سوی تشکلهای مختلف کارگری - اجتماعی و گفتمان‌های رادیکال و اعتراضی با گفتمان‌های مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر در مدیای اجتماعی و در کنفرانس‌های آنلاین و در شعارهای اعتراضی نوشته شده بر درودیوار شهرها بودیم.

در سطح میدانی اتحاد مبارزاتی کارگری و اجتماعی را در تحرکات وسیعی که برای برگزاری روز مهم جهانی کارگر برپا شده بود می‌توان دید. معلمان و بازنشستگان فراخوان‌دهندگان تجمعات اعتراضی سراسری برای روز یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر و دو ستون اصلی برگزاری این روز همبستگی جهانی کارگری در ایران بودند.

معلمان با توجه به اینکه روز بعد از اول ماه مه روز معلم بود، روز جهانی کارگر را اولین روز هفته معلم خواندند. در این بیانیه معلمان با اعلام خواست‌های فوری‌شان در سه زمینه معیشتی، آموزشی و حقوقی - اجتماعی بر تداوم مبارزاتشان تأکید کرده بودند که رؤس اصلی‌اش عبارت بودند از: افزایش حقوقها، بیمه درمانی، تحصیل رایگان و باکیفیت، رفع تبعیض‌های جنسیتی و ارائه آموزش‌های جنسی و اجتماعی در مدارس، برنامه‌ریزی برای جلوگیری از بازماندگی از تحصیل و بازگرداندن کودکان محروم به نظام آموزشی، پذیرش حق آموزش به زبان مادری و اجرای مفاد آن به عنوان گامی در راستای عدالت آموزشی، اختصاص بودجه مناسب و کافی برای مدارس و بالاخره لغو تمامی پرونده‌های امنیتی و حق تجمع، تشکل و اعتراض.

طرح چنین مطالباتی که خواست‌های کل جامعه هستند از سوی معلمان و آن‌هم در چنین روزی بسیار مهم است و جایگاه اجتماعی مبارزات معلمان و ارتباط مستقیم آنها با کل جامعه را نشان می‌دهد. فراخوان معلمان به تجمع روز یازده اردیبهشت فضای روز جهانی کارگر را داغ کرد.

قبل از فراخوان معلمان، بازنشستگان که با مبارزات گسترده و متوالی خود به صدای رسای اعتراض کل جامعه تبدیل شده‌اند، مثل دو سال گذشته به تجمعات اعتراضی اول ماه مه برای پیگیری مطالباتشان فراخوان داده بودند و بعد که فراخوان معلمان داده شد، اعلام کردند که همراه معلمان تجمع خواهند کرد و این فاکتور دیگری در اجتماعی‌تر شدن گفتمان برگزاری روز جهانی کارگر بود و فراخوان‌ها گسترده‌تر شد.

از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیررسمی نفت نیز در اطلاعیه مشترکی از این فراخوان‌ها اعلام پشتیبانی کردند و شورای سازماندهی

انترناسیونال: خوانندگان ما از طریق دو اطلاعیه حزب که در همین شماره انترناسیونال منتشر شده است در جریان اتفاقات اول ماه مه امسال در ایران قرار گرفته‌اند. اما می‌خواهم از شما به عنوان مسئول کمیته سازمانده سؤال کنم که ارزیابی‌تان از آنچه به این مناسبت در ایران گذشت چیست؟ مهم‌ترین دستاوردهای اول ماه مه امسال چه مواردی هستند؟

شهلا دانشفر: اتحاد و همبستگی اولین وجه خصلت‌نمای اول ماه مه امسال در ایران بودند. این را هم در بیانیه‌های منتشر شده به مناسبت این روز جهانی همبستگی کارگری و هم در کف خیابان و اعلام حمایت وسیع از مردم بندرعباس و جان‌باختگان فاجعه مرگبار انفجار بندر رجایی شاهد بودیم. فاجعه تلخ و خونینی که جنایتی دیگر از سوی صاحبان قدرت و ثروت است و مرگ ده‌ها نفر و مصدومیت و معلول شدن چندین هزار نفر را در پی داشت و اکنون صحبت از مفقودشدگان بی‌شمار این فاجعه است.

یک نقطه درخشان اول ماه امسال بیانیه مشترکی است که به مناسبت روز جهانی کارگر و تحت عنوان "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر! اعتصابات سراسری راه‌حل!" منتشر شد. این بیانیه با امضای نهادهایی از ۵ دانشگاه، چهار جمع از دانشگاه‌های مختلف و دو نهاد دانش‌آموزی و شمار قابل‌توجهی از اکتیویست‌های شناخته شده و فعال اجتماعی از داخل و خارج منتشر شده است. بیانیه‌ای که از فضای انفجاری و اعتراضی جامعه و قرار گرفتن آن بر لبه پرتگاه سقوط می‌گوید. از جنایات حکومت فاجعه‌آفرین و تبدیل محیط‌های کار به قتلگاه کارگران و جنایتی که در بندرعباس اتفاق افتاد می‌گوید. از فقر، بیکاری، ناامنی، استثمار، تبعیض، جنایت و چپاول و غارت به عنوان چهره واقعی حکومتی که تنها با سرکوب و خونریزی و جنگ افروزی بر قدرت چنگ انداخته می‌گوید. از بحران‌های عمیق اقتصادی، انرژی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و بین‌المللی که پایه‌های حکومت را پوسانده و اینکه هر فاجعه تازه، گواهی خونین بر فروپاشی نظم موجود است می‌گوید. از اینکه جامعه در برابر این ابعاد از فاجعه و ستم و سرکوب و جنایت ایستاده است و اعتراضات بخش‌های مختلف مردمی در صفوفی به هم فشرده جریان دارد و پرچم انقلاب زن زندگی آزادی همچنان برافراشته است، می‌گوید و می‌نویسد: "انقلاب ما آغاز شده است، اما هنوز در راه پرچالش رسیدن به پیروزی در پیش است." و بعد با تأکید بر اینکه قدرت در دست ماست و تنها سازماندهی انقلابی و اعتراضات و اعتصابات سراسری می‌تواند این ماشین سرکوب را درهم بشکند، بر اعتراضات سراسری و تحقق کامل مطالبات طبق منشور پیشرو زنان ایران و منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی این دو سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی، بر برداشتن این نظام از سر راه خود به عنوان اولین گام سخن می‌گوید و همان جا بر بایکوت جهانی حکومت آپارتاید جنسی - جنسیتی جمهوری اسلامی و اخراج آن از تمام نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی کار تأکید کرده و می‌نویسد: "ما تأکید داریم اکنون زمان آن است که همه جنبش‌ها و نیروهای مبارز و انقلابی از کارگران و معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و کادر درمان، کسبه و مغازه‌داران، رانندگان حمل‌ونقل شهری و کامیونرانان، به هم بپیوندند؛ چراکه با ایجاد یک شبکه بزرگ و سازماندهی سراسری اعتراضات و اعتصابات هم‌زمان و مستمر است که می‌توانیم این نظام پوسیده را از قدرت به زیر بکشیم.

نگاهی به اول ماه مه امسال

از صفحه ۸

اعتراضات پرستاران هم با تأکید بر تداوم اعتراضاتشان فراخوان به گرامیداشت روز جهانی کارگر را دادند.

همانطور که گزارش کرده‌ایم مراسم‌های روز جهانی کارگر در چندین شهر از جمله در کرمانشاه، سنندج، اراک، قزوین، شیراز، هرسین، سنندج و ممسنی و نورآباد، برگزار شدند. در اهواز نیز در هفتم اردیبهشت بازنشستگان تأمین اجتماعی بنر اول مه را برافراشتند و به استقبال این روز جهانی کارگری رفتند.

یک نگین درخشان اول مه امسال کرمانشاه بود که در پاسخ به فراخوان نهادهایی چون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، انجمن فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه برگزار شد. سخنرانی‌های این تجمع کیفرخواستی علیه سرمایه‌داری، علیه بساط فقر و بربریت حاکم، علیه سرکوب و اعدام و علیه تبعیض و نابرابری بود و یک صحنه زیبای آن حمایت از مردم در بندرعباس بود.

برگزاری چنین تجمعی از معلمان و بخش‌های مختلف بازنشستگان نتیجه درجه سازمان‌یافتگی و حضور بخش‌های مختلف بازنشستگان و معلمان در کنار هم بود. یک سال است زمینه‌های چنین تجمعات مشترکی در کرمانشاه گذاشته شده است و این الگویی برای تمام شهرها در سطح سراسری است و شکل‌دادن به آن می‌تواند امکان برگزاری تجمعات بزرگ‌تر هفتگی کارگران و بازنشستگان را فراهم‌تر کند و باید برای آن قدم برداشت.

گفتنی است که در روز جهانی کارگر در سقز و سنندج نیز فعالین دفاع از حقوق زن به کارگاه‌های که زنان کار می‌کنند رفتند و گل دادند و بیانیه اول ماه مه را خواندند و از این روز سخن گفتند. همچنین تعدادی از خانواده‌های جان‌باختگان انقلاب زن زندگی در این شهر به مزار عزیزانشان رفتند و با نصب بنر "گرامی باد روز جهانی کارگر" در آنجا، یاد آنها را گرامی داشتند. اینها همه وجوهی از بعد اجتماعی گرامیداشت روز جهانی کارگر را به نمایش گذاشت. بعلاوه اینکه در زندان‌ها هم زندانیان سیاسی روز جهانی کارگر را با بیانیه‌ای به این مناسبت گرامی داشتند و در بند هشت آن زندانیان سیاسی در محوطه هواخوری زندان مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار کردند و تعداد قابل‌توجهی از زندانیان عادی هم در آن شرکت داشتند.

همانطور که اشاره شد یک وجه بارز مراسم و بیانیه‌های ویژه اول مه امسال اعلام همبستگی با مردم بندرعباس بود.

خلاصه کلام اینکه اول ماه مه امسال نقطه عطفی در اتحاد و مبارزت کارگری و اجتماعی بر سر خواست‌های پیشرو و انسانی در برابر سرکوبگری‌های حکومت بود.

انترناسیونال: سرکوب و ایجاد فضای امنیتی در اول ماه مه کار همیشگی حکومت اسلامی و چالشی جدی در مقابل کارگران بوده است. امسال حکومت چه تلاش‌هایی برای سرکوب اعتراضات انجام داد و تا چه حد توانست برگزاری مراسم‌ها را تحت شعاع قرار دهد؟

شهلا دانشفر: امسال نیز مثل هر سال حکومت اسلامی با تشدید فضای امنیتی و دستگیری‌ها و احضارها به مقابله با برگزاری مراسم‌های روز جهانی کارگر برخاست. اما در سطحی گسترده‌تر. به دلیل اینکه حکومت از فضای انفجاری جامعه و فوران قدرتمندتر انقلاب وحشت دارد و به دلیل اینکه بحران‌های عمیق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و بین‌المللی پایه‌های حکومت را تکان داده و صفوفش را بیش از پیش درهم‌ریخته است. روشن است که در چنین شرایطی حکومت از روزی چون اول ماه مه که اساساً روز آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی است، بیشتر وحشت می‌کند.

از همین رو دیدیم که در روزهای نزدیک به اول مه فعالین صنفی در استان‌های مختلف به‌ویژه در قزوین، کردستان، فارس، خوزستان، مازندران، کرمانشاه، گیلان، و مشهد... با انواع شیوه‌ها مورد تهدید قرار گرفتند. برای معلمان پیامک ارسال شد و تهدید شدند که در تجمع "غیرقانونی" شرکت نکنند. شب قبل از اول مه نیز، تماس‌های تهدیدآمیز، احضار فعالان، و حتی اعمال فشار بر خانواده‌های آنان شدت یافت و بالاخره اینکه در این روز در شهرهایی چون تهران، بوشهر، همدان، رشت و مازندران، نیروهای امنیتی مستقیماً مانع شکل‌گیری تجمعات شدند و در جریان این کشاکش‌ها دستگیری‌هایی داشتیم که هنوز سه نفر از بازداشت‌شدگان در تهران به اسامی ولی مرزا سیدی، فراچی شاندیز، احمد حیدری در زندان‌اند. آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان یک خواست فوری برگزارکنندگان اول ماه مه و همه ماست.

البته این را هم بگویم که در جاهایی هم نهادهای دست‌ساز حکومتی مثل سال‌های قبل در سالن‌های درسته اما سوت و کورتر از هر سال مراسم‌های دولتی خود را داشتند. چون حکومتشان در سرایشی سقوط است. اما در مراسم دولتی نیز همه هشدارهایشان معطوف به فضای انقلابی جامعه بود و در جایی مثل هفت‌تپه که سنگر محکم اول مه‌هاست و کارگران از برگزاری اول مه و همبستگی با مردم بندرعباس سخن گفته بودند، دار و دسته‌های حکومتی سعی کردند مراسم دولتی شکل دهند. اما کارگران با شرکت نکردنشان محکم به دهانشان کوبیدند و بدین‌گونه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

روشن است که تهدیدات سرکوبگرانه حکومت مانعی از برگزاری گسترده‌تر روز جهانی کارگر بود. اما کشاکشی بسیار بر سر برگزاری این روز جریان داشت و تحرکات و صف‌آرایی‌ها از قبل شروع شده بود. بدین ترتیب فراخوان‌دهندگان به تجمعات برای اول ماه مه علی‌رغم وقوف بر ابعاد امنیتی کارشان دست‌به‌کار تدارک آن شدند و در جاهایی موفق به بلندکردن پرچم گرامیداشت روز جهانی کارگر شدند.

عزم راسخ معلمان و بازنشستگان و تأکید بخش‌های مختلف کارگری بر گرامیداشت روز جهانی کارگر پاسخ مهمی به سرکوبگری‌های حکومت بود. **انترناسیونال:** در پایان لطفاً پیام یا فراخوانتان را خطاب به کسانی که در مراسم‌های اول ماه مه امسال فعالانه شرکت کردند، بیان کنید.

شهلا دانشفر: من قبل از هر چیز درود می‌فرستم به کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و زندانیان دریند و فعالین اجتماعی در سقز و سنندج و نیز به خانواده‌های داخ‌خواه و همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی که نقش‌آفرینان روز جهانی کارگر امسال بودند. همچنین درود می‌گویم به گوهر عشقی عزیز این ستون محکم داخ‌خواهی و جنبش نه به اعدام که پیام زیبایی به مناسبت روز جهانی کارگر داد.

اشاره کردم که یک نقطه قوت اول مه اتحاد عملی مبارزاتی بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی امسال است. همین‌طور تأکید کردم که بیانیه مشترکی که به مناسبت روز جهانی کارگر و تحت عنوان "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر! اعتصابات سراسری راه‌حل!" داده شد می‌تواند پلاتفرمی برای متحدشدن و تعمیق مبارزاتمان باشد. بیانیه‌ای که تأکیدش بر دو سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی یکی منشور خواست‌های حداقلی با امضای بیست تشکل و دیگری منشور مطالبات پیشرو زنان است؛ بنابراین خطاب من به فعالین کارگری و اجتماعی و دست‌اندرکاران روز جهانی کارگر این است که با اتکا به این اتحاد مبارزاتی که اول مه آن را تقویت کرد و با گردآمدن حول همین بیانیه مشترک صف اعتراضات را متحدتر و قدرتمندتر کنیم. با چنین قدرتی می‌توان به‌سوی اعتصابات سراسری رفت و با اجتماعات بزرگ تنور انقلاب در کف خیابان را داغ کرد.

زنده‌باد اول مه روز جهانی کارگر

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر؛ ۱۴۰۴

از معدن تا بندر، محل قتل کارگر! اعتصابات سراسری راه حل!

آزادی را فرصتی تاریخی می‌دانیم و تأکید داریم برای گرفتن این حقوق اولیه انسانی که نجات میلیون‌ها انسان را تضمین می‌کند، در گام اول می‌بایست این نظام را از سر راه خود برداریم.

در این مسیر به جامعه جهانی هشدار می‌دهیم: ما نه جنگ طلبیم و نه مذاکره و توافق مسئله ماست، بلکه پایان ریشه‌ای وضعیت ضدانسانی موجود و مسبب آن امر ماست؛ لذا جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (ILO) و تمام نهادهای بین‌المللی اخراج، و به‌عنوان حکومت آپارتاید جنسی - جنسیتی در سطح جهانی بایکوت شود.

ما تأکید داریم اکنون زمان آن است که همه جنبش‌ها و نیروهای مبارز و انقلابی از کارگران و معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و کادر درمان، کسبه و مغازه‌داران، رانندگان حمل‌ونقل شهری و کامیون‌رانان، به هم بپیوندند؛ چراکه با ایجاد یک شبکه بزرگ و سازماندهی سراسری اعتراضات و اعتصابات هم‌زمان و مستمر است که می‌توانیم این نظام پوسیده را از قدرت به زیر بکشیم.

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی!

زنده باد اتحاد و همبستگی مردمی!

پیش به سوی اعتراضات و اعتصابات سراسری!

امضاکنندگان:

- تشکل دانشجویان پیشرو
- انجمن آزادی‌خواهان بهشتی
- نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال
- اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان
- اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا
- جمعی از دانشجویان:
- دانشگاه اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- دانشگاه تهران
- دانشگاه آزاد اصفهان
- تشکل دانش‌آموزان انقلابی بوشهر
- تشکل دانش‌آموزان انقلابی تهران
- یاسمن آریایی - فعال حقوق زنان
- ویکتوریا آزاد - فعال و تحلیلگر سیاسی مؤسس شبکه ایرانیاران
- فرید آشنا - نویسنده و فعال کوپیر از افغانستان
- ایمان آقاییاری - فعال سیاسی
- آرش احتزای - شاعر
- مینا احدی - سخنگوی کمیته علیه اعدام، فعال حقوق زنان
- الهه اجباری - فمینیست و فعال حقوق بشر
- فاطمه اختصاری - شاعر و نویسنده، فعال حقوق زنان
- مرجان اروندی - پژوهشگر و استاد دانشگاه
- عظمت اژدری - خواهر دادخواه غنیمت اژدری، عضو انجمن خانواده‌های
- PS752
- سارا افراسیابی - روان‌شناس، نویسنده و فمینیست
- الهام (الی) امیدواری - فعال اجتماعی
- ملیکا امینا - هنرمند و فعال حقوق زنان و حقوق رنگین‌کمانی‌ها
- سهیلا انزلی - فعال مدنی و کادر درمان
- آستاره انصاری - وکیل دادگستری، از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی
- سوری بابایی چگینی - فعال حقوق زنان و کارزار حجاب بی‌حجاب
- آزاده بارزاده - روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان
- حسن باقری‌نیا - استاد اخراجی دانشگاه حکیم سبزواری
- شهین باور - فعال حقوق زنان
- کوکب بداغی پگاه - فعال صنفی معلمان

در آستانه روز جهانی کارگر، در لحظه‌ای انفجاری و تاریخی ایستاده‌ایم. زمین زیر پای جمهوری اسلامی می‌لرزد و نفرت و خشم، کوچه، خیابان، کارخانه، دانشگاه و مدرسه را فراگرفته است.

هنوز آتش داغ کارگران جان‌باخته در معادن خاموش نشده بود که فاجعه تلخ و خونین بندر رجایی که جنایتی دیگر از سوی صاحبان قدرت و ثروت است، ده‌ها جان را بی‌جان کرده و در دل خاک نشانده، ده‌ها نفر را مفقود کرده و هزاران نفر را زخمی و معلول ساخته است.

فقر، بیکاری، ناامنی، استثمار، تبعیض، جنایت، این‌ها چهره واقعی حکومتی است که تنها با سرکوب و خونریزی و جنگ‌افروزی بر قدرت چنگ انداخته است.

جمهوری اسلامی، این رژیم دزدسالار، مافیایی و به‌غایت ضدانسانی، امروز بیش از هر زمان دیگری بر لبه پرتگاه سقوط ایستاده است. ات‌ریحان‌های عمیق اقتصادی، انرژی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و بین‌المللی، پایه‌های حکومت را پوسانده و هر فاجعه تازه، گواهی خونین بر فروپاشی نظم موجود است؛ حاکمیتی که زیست انسان در آن به صحنه‌ای دهشتناک از فیلم‌های آخرالزمانی بدل شده است.

اما مردم جان‌به‌لب رسیده، از کارگران گرفته تا معلمان، پرستاران و کادر درمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش‌آموزان، هنرمندان و ورزشکاران و نویسندگان و وکلاء، بیکاران، آنتیست‌ها، رنگین‌کمانی‌ها، فعالان محیط‌زیست، کارگران مهاجر، دادخواهان، و زنان مبارز، امروز در صفوفی به هم فشرده، پرچم انقلاب زن زندگی آزادی را همچنان برافراشته‌اند و تسلیم این شرایط اسفناک نشده‌اند.

انقلاب ما آغاز شده است، اما هنوز در راه پرچالش رسیدن به پیروزی در پیش است.

دشمن درمانده اما خون‌آشام، با تداوم جنگ علیه زنان، سرکوب مدارس و دانشگاه‌ها، زندانی کردن معترضان، اعدام‌های پی‌درپی و حتی دست دراز کردن به سوی آمریکا پس از سال‌ها دروغ‌گویی و دشمن‌تراشی، به‌وضوح نشان داده که بوی پایان را حس کرده است.

این حکومت از معدن تا بندر را به محل قتل کارگر تبدیل کرده، و زندانی به وسعت یک ایران ساخته که هیچ انسانی در آن از محرومیت و شکنجه و مرگ، در امان نیست.

ما امضاکنندگان این بیانیه عمیقاً بر این باوریم که در این نبرد مرگ و زندگی، دیگر راهی برای انتظار یا توهّم به نجات‌دهنده نمانده است.

قدرت در دستان ماست و تنها سازماندهی انقلابی و اعتراضات و اعتصابات سراسری می‌تواند این ماشین سرکوب را درهم بشکند؛ بنابراین هر کارگاه، هر کارخانه، هر میدان نفتی و گازی، هر مرکز تولیدی و خدماتی، هر دانشگاه و مدرسه می‌تواند به سنگر مبارزه بدل گردد.

ما برای دستیابی به «آزادی و برابری، رفاه همگانی، سکولاریسم، مدرنیسم، امنیت، عدالت اجتماعی، رفع فوری هرگونه تبعیض طبقاتی، جنسی، - جنسیتی و ائتیک، بهداشت و درمان رایگان، بیمه بیکاری و درمان کارآمد برای همگان، تحصیل رایگان و اجباری مطابق آخرین استانداردهای جهانی برای همه کودکان، آموزش جنسی، استاندارد در مدارس، ممنوعیت کامل کار کودک، پاک‌سازی مدارس و دانشگاه‌ها از آموزش دینی و نیروی نظامی و امنیتی، آزادی بی‌قیدوشرط بیان و اندیشه و عقیده، آزادی اعتراض و اعتصاب و تجمع و تشکل و تحزب، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات شنیع اعدام، به‌رسمیت شناختن کامل حقوق افراد LGBTQIA+، و تحقق کامل مطالبات زنان طبق منشور پیشرو زنان ایران و منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های صنفی»، انقلاب زن زندگی

روز جهانی کارگر، روز زندگی است



کیوان جاوید

هر ۴ ثانیه یک کودک در جهان از بیماری‌های قابل پیشگیری جان می‌سپارد. آری فقط ۴ ثانیه. در ایران آقا زاده‌های دزد و غارتگر، آیت‌الله‌های انگل میلیاردر و یک قشر قاتل و جنایتکار همه ثروت و دارایی جامعه را در چنگال خونین خود متمرکز کرده‌اند. بیاد داشته باشیم که طبق آمار رسمی جهانی بیش از ۲ میلیارد نفر در جهان از گرسنگی شدید عذاب می‌کشند.

در مقابل این بربریت حاکم بر جهان، طبقه کارگر قرار دارد. طبقه‌ای که فقط تأمین کننده آسایش عمومی نیست، که همچنین می‌تواند ناجی جهان ما باشد. طبقه‌ای که اگر قدرت در دستش باشد و به بردگی مزدی پایان دهد، آنگاه همه بشریت آزاد می‌شود. این طبقه یعنی اکثریت عظیم همه مردم که آزادی و رفاه و خوشبختی طلب می‌کنند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر در ایران یک روز در امتداد همه روزها است برای نبردی تاریخ‌ساز؛ برای کوتاه کردن دست غارتگران زندگی و کوتاه کردن دست مذهب از همه امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه. این روز در امتداد جنبش انقلابی زن زندگی آزادی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

اول ماه مه روز همه انسانیت بر همه ما مردم مبارک باد!

[مندرج در ژورنال روزانه شماره ۱۰۲۸](#)

جهان تماماً بر دوش کارگر می‌چرخد. طبقه کارگر آن موتور پیش‌برنده زندگی است و اگر نقش این طبقه در تولید اجتماعی کنار گذاشته شود هیچ چیز از رفاهیات و راحتی زندگی برجا نمی‌ماند.

قابل تصور نیست که بدون وجود طبقه کارگر جهانی چرخ تولید و توزیع و مبادله در این ابعاد پیش‌رفته به حرکت در آمد. مردم بیمار می‌شوند و نیاز به بیمارستان و دکتر و پرستار دارند تا بهبود پیدا کنند. از دانش تا تکنولوژی پزشکی و برق و آب و گاز و گرمای شوفاژ و سرمای کولر هر آنچه که به چشم می‌آید معجزه خدایان و خلاقیت اقلیت سرمایه‌داران نیست. خالقان این جهان درهم‌تنیده و پیچیده، طبقه کارگری جهانی است.

طبقه کارگر آن چنان گسترده است که بخش اعظم مردم جهان را در برمی‌گیرد. ۹۹ درصدی‌های جهان جزو این طبقه‌اند. معلم و پرستار و بازنشسته زنجیرهای به هم پیوسته این طبقه‌اند. همه بیکارانی که در بدر دنبال کار می‌گردند تا لقمه نانی برای زنده ماندن و برای زندگی کردن به دست بیاورند، بخش جدایی‌ناپذیر این طبقه‌اند.

اردوی مقابل طبقه کارگر، سرمایه‌داران قرار دارند. تصور کنید فقط سه سرمایه‌دار بزرگ در آمریکا به اندازه نیمی از مردم آمریکا و ۸ سرمایه‌دار در جهان به اندازه ۴ میلیارد نفر از مردم جهان ثروت دارند. طبق آمار آکسفام

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر؛ ۱۴۰۴

از صفحه ۱۰

سیمین صبری - روان‌پزشک و فعال فمینیست اینترسکشیونال تورک
حدیث صبوری - فعال حقوق زنان
ساره صدیقی همدانی - فعال ال‌جی‌بی‌تی‌کیو و حقوق زنان
نرگس ظریفیان - فعال حقوق زنان
خلیل عبیات - فعال حقوق جامعه ال‌جی‌بی‌تی+ و مسئول بخش عربی شش‌رنگ
دلنیا عزیزمادی - فعال حقوق زنان و فعال رسانه
رادا مردانی - فعال صنفی معلمان
مهناز علائی - فعال حقوق زنان
مهین علیپور - فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان
رادا فاتحی - خواهر دادخواه رامین فاتحی، جان‌باخته انقلاب زن زندگی آزادی
محبوبه فرحزادی - عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران
سارا قربانی - فعال حقوق زنان و عضو کمپین اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی
علی قلی‌لو - زندانی سیاسی سابق
عزیزه لطف الهی - از مسئولین کمپین نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان
مگان کشاورز - فعال حقوق زنان
شیوا گنجی - روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان
شیوا محبوبی - سخنگوی کمیته آزادی زندانیان سیاسی و فعال حقوق زنان
برزان محمدی - زندانی سیاسی سابق، دادخواه
رؤیا محمودی - فعال حقوق زنان
ماریا محمودی - همسر دادخواه محمد فرامرزی جان‌باخته راه آزادی
رضوان مقدم - سخنگوی کمپین توقف قتل‌های ناموسی
مهدی موسوی - شاعر و نویسنده
پوران ناضلی - فعال حقوق زنان
ماه‌نیر ندیم - خواننده و مدل، فعال حقوق زنان و افراد دارای معلولیت
آرش نظامی - روزنامه‌نگار
هیرش نقشبندی - بازیگر و کارگردان تئاتر و از آسیب‌دیدگان چشمی زن زندگی آزادی
مریم نمازی - فعال حقوق زنان
سیحان نوفر - فعال کوپیر
هرمینه هوراد - فعال حقوق بشر، فمینیست

نادیا بهاری - فعال حقوق زنان
شعله پاکروان - مادر دادخواه ریحانه جباری
ندا پاکروان - ترنس
فریبرز پویا - فعال حقوق سکولار و برنامه نان و گل سرخ
پریسا پوینده - دبیر کمیته آزادی زندانیان سیاسی
جاستینا - رپر و فمینیست
فروزان جلالی - کارگردان، فعال حقوق زنان
امید حبیبی‌نیا - روزنامه‌نگار
احسان حکیمی - فعال سیاسی
مهران حمیدی - عضو هیئت اجرایی تشکل رنگین‌کمانان ایرانی
محمد خاکساری - مسئول و صاحب‌امتیاز هفته‌نامه قلم معلم
دره خطیبی - مدرس، محقق و کنشگر
شهلا دانشفر - سخنگوی کمپین آزادی کارگران زندانی (فری‌دم‌ناو)
فاطمه داوند - زندانی سیاسی سابق و از شاهدان دادگاه آبان ۹۸
بهار دهکردی - رپر و بازیگر تئاتر، فعال حقوق زنان
فرشته دیدنی - فعال حقوق زنان
امیرا ذوالقدر - فعال برابری جنسیتی
کیان آذر - دبیر سازمان جوانان کمونیست
زویا سپهری - فعال حقوق بشر
یحیی سرخانی - فعال محیط‌زیست
سعید سعادت - زندانی سیاسی سابق
احسان شریقی - شورای بین‌الملل کانادا
شرین شمس - از مسئولین تشکل انقلاب زنانه
ارغوان شمس آرا - روزنامه‌نگار و فعال کوپیر
نیلوفر صابری - فعال حقوق بشر
حسن صالحي - سخنگوی کمیته علیه اعدام

جنایات جمهوری اسلامی را بی پاسخ نخواهیم گذاشت

مهران محبی

چند روز از جنایت جمهوری اسلامی در اسکله تجاری بندرعباس گذشته و هنوز هیچ رسانه‌ای غیر از صداوسیما حکومتی دسترسی به مکان فاجعه ندارد تا اخبار و گزارشات واقعی را در اختیار مردم قرار دهد.

آنچه در این مدت (غیر از کلیپ‌هایی از لحظات اولیه که با گوشی‌های کارکنان و حاضران غیرحکومتی تهیه شده بودند) در مورد وقوع فاجعه و ابعاد و عمق آن گزارش شده است، اخبار و گزارشات کنترل شده توسط دستگاه‌های امنیتی و سپاه جنایت کار هستند که از طریق صداوسیما انتشار یافته‌اند. هنوز کسی نمی‌داند چند ده و یا چند صد نفر دیگر کشته شده‌اند. بسیاری از اجساد همچنان زیر آوار مانده‌اند و خیلی‌ها به‌طور کلی در آتش سوخته‌اند و اثری از آنها باقی نمانده است. ولی باتوجه به تجمع وسیع خانواده‌هایی که عزیزانشان را از دست داده و همچنین سوگواری‌های با مضمون اعتراضی که در اکثر شهرها برافراشته و در حال گسترش است، می‌شود تا حدی عمق و گستره عظیم جنایت حکومت و سپاه تروریستی‌اش را حدس زد که چه قتل عامی از مردمی که اکثریتشان را کارکنان و کارگران شاغل و رانندگان کامیون در اسکله تشکیل می‌دهند، انجام گرفته است.

با این حال هنوز هیچ گزارش رسمی و حکومتی در مورد عوامل و دلایل جنایت انتشار نیافته است. منطقه کاملاً توسط سپاه و نهادهای امنیتی قرق شده و برای سران رژیم که خود از مسببان و مجرمان اصلی هستند، فعلاً مجالی فراهم کرده تا روایات دروغین خود را به خورد جامعه بدهند تا سعی کنند خود را تبرئه کنند. اما از آنجاکه دست این جانان برای مردم در داخل و در کل دنیا در دروغ گویی و تقلا برای پنهان کردن جنایاتشان رو شده و بعلاوه به راحتی نمی‌توانند از دام ماهواره‌های تصویربرداری فرار کنند، دچار آشفتگی و به هم ریختگی شدیدی شده‌اند که چه کار کنند تا جنایاتشان را پنهان کنند. از ابتدا به ضدونقیض گویی در مورد وجود مواد شیمیایی مورد نیاز برای تهیه سوخت موشکی افتادند. یکی می‌گفت: "اصلاً مواد خطرناک در بندر وجود ندارد"، دیگری ناخواسته و دستپاچه "بند را آب می‌داد" و به وجود مواد شیمیایی مورد نیاز تأمین سوخت موشک اعتراف می‌کرد و حالا که فهمیده‌اند نمی‌توانند وجود این مواد در اسکله رجائی را به کلی انکار کنند، زیر فشار فضای سهمگین اعتراض و نفرت عمومی، هر دستگاه و اداره و وزارتخانه‌ای سعی می‌کند تقصیر را گردن دیگری بیندازد.

فعلاً به وجود مواد شیمیایی خطرناک و قابل انفجار در اسکله اعتراف کرده، ولی همچنان تلاش می‌کنند آن را به قیمت نتیجه یک اشتباه به افکار عمومی بفروشند. علی‌رغم اینکه همچنان به مردم دروغ می‌گویند و مدعی هستند که هیچ محموله‌ای که کاربرد نظامی و موشکی داشته باشد در اسکله رجائی وجود نداشته، اما ناچار به اعتراف به وجود مواد "بسیار خطرناک" شده‌اند که به اصطلاح و به زعم خودشان برحسب "اظهار خلاف" واردکنندگان آنها در میان محموله‌ها و کانتینرهای حاوی مواد معمولی و غیرخطرناک قرار داده شده‌اند.

معلوم است همچنان دروغ می‌گویند و می‌خواهند جنایاتشان را تا حد یک حادثه تقلیل دهند و یقه خود را از پاسخ گویی به مردم رها کنند. اصطلاح "اظهار خلاف" که این روزها در گفتمان‌های سران رژیم رایج شده، معنایی غیر از دروغ گویی ندارد. اگر به فرض محال کل حکومت و سپاه در جریان نبوده‌اند و اشخاصی به دروغ گفته‌اند که کانتینرها حاوی مواد خطرناک نیستند، این جانان حتی حاضر نیستند روراست به مردم بگویند این اشخاص یا نهادها و دستگاه‌هایی که واقعیت را نگفته و

پنهان کاری و خلاف واقع گویی کرده‌اند، چه کسانی هستند.

جدا از جنایت هولناکی که جمهوری اسلامی و سپاه به عنوان بازوی عملیاتی جنایت حکومت در مدت چند روز گذشته در اسکله رجائی مرتکب شده‌اند، دو روز بعد از فاجعه اسکله در بندرعباس، تأسیسات "آوانار" در حومه شاهین‌شهر که مواد شیمیایی محترقه مورد استفاده برای پهبادهای نظامی تولید می‌کند نیز منفجر شد و رسانه‌های رسمی حکومتی خبر از کشته شدن دو نفر و مجروح شدن یک نفر داده‌اند.

در این مورد هم طبق معمول مقامات حکومتی و مسئولان مربوطه محلی و شرکت "آوانار" که زیر نظر شورای عالی امنیت رژیم فعالیت می‌کند، از بیان واقعیات طفره رفته و در صدد لاپوشانی کردن جنایت جدیدشان هستند.

اما علی‌رغم همه تلاش‌هایی که جانان حکومت برای پنهان کردن عوامل و دلایل این انفجارها و جنایاتی که رقم زده، کرده‌اند، نتوانسته‌اند ذره‌ای از خشم و انزجار عمومی را نسبت به خود کاهش دهند. وسعت دادخواهی از کل حکومت در گستره ایران و فراتر از این گستره جغرافیایی است. مردم در داخل و خارج همچنان که تا حالا نشان داده‌اند به اعتراضات خود در قالب تجمعات اعلام همدردی ادامه می‌دهند و دست از سر حکومت برنخواهند داشت تا خود را از پاسخ گویی و اعتراف به جنایاتش در روزهای اخیر رها کنند. زیر این فشار عمومی و سراسری، سران رژیم تا همین حالا مجبور به اعتراف به گوشه‌هایی هرچند اندک از جنایاتشان شده‌اند و به تدریج ناچار خواهند شد باز هم بیشتر اعتراف کنند.

این حکومت، همان حکومت جنایت کار است و سران و سرداران سپاهش هم همان جنایت‌کارانی هستند که سرنگون کردن عمدی هواپیمای مسافربری اوکراینی در سال ۱۳۹۸ را تا سه روز انکار کردند. ولی حالا نمی‌توانند حتی یک روز هم مانع درز واقعیت از شکاف‌ها و ترک‌های دهان باز کرده در درون حکومتشان به بیرون شوند. علتش کاملاً واضح است. حکومت زیر فشار جنبش سرنگونی طلبی و انقلابی و گرفتار در گرداب‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی، انسجام و چفت‌وبست خود را از دست داده است. هیچ یک از دستگاه‌ها، ارگان‌ها و سران و افرادش امیدی به بقایش ندارند و نگران آن هستند که برای کاستن از فشار عمومی بر کلیت حکومت، توسط باندها و سران قدرتمندتر قربانی شوند و از طرف دیگر تقلا می‌کنند با درز دادن این نوع اطلاعات به بیرون در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی هنگامی که به پای میز محاکمه و بازخواست کشیده می‌شوند، نسبت به مجازاتشان تخفیف داده شود.

این تازه گوشه‌ای از قدرت اعتراض و مبارزه منسجم ماست که سران حکومت را به این حد زیر فشار گذاشته و اجازه نداده تا مانند گذشته با جامعه برخورد کنند. حکومتی که تمام تلاشش را کرد تا مانع از برگزاری وسیع تجمعات به مناسبت اول ماه مه شود، چون می‌دانست سراسری‌تر و متحدانه‌تر از روزهای اخیر به جرم جنایتش در بندر رجائی مورد بازخواست و محاکمه کارگران و مردم قرار خواهد گرفت، اما باز هم نتوانست مانع شود و باز در مراسم روز جهانی کارگر به محاکمه کشیده شد و این یعنی ضعف و درماندگی و عقب‌نشینی در مقابل قدرت جامعه.

ما دست از سر رژیم و سران جنایت کار و سپاه و همه جنایت‌کارانش برنخواهیم داشت. مجبورشان خواهیم کرد تا ابتدا به این جنایاتشان اعتراف کنند و بهزودی با سرنگون کردن حکومت حساب همه را در دادگاه‌های مردمی و عادلانه که در آنها خبری از اعدام نیست، خواهیم رسید.*

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری ایران مصاحبه با بهنام ابراهیمزاده



برای اینکه به اهداف خودتان برسید چه راهوروش سیاسی را انتخاب کردید؟

بهنام ابراهیمزاده: عوامل زیادی در مسیر سیاسی شدن من نقش داشتند، اما نخستین عامل، متولد شدن در یک خانواده چپ‌گرا، کارگری و سیاسی بود. پدرم انسانی شجاع و آگاه بود و هست.

در همان سال‌ها شاهد درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای رژیم و احزاب سیاسی، سرکوب، کشتار، ویرانی خانه‌ها و زندانی شدن و جان باختن عزیزانم بودم. همه این‌ها دست‌به‌دست هم داد تا نسبت به اوضاع بی‌تفاوت نباشم.

از دوران نوجوانی فعالیت سیاسی‌ام را آغاز کردم. با وجود سن کم، وقتی پیشمرگه‌ها وارد روستای ما می‌شدند، طبق آموزش‌هایشان وظیفه رساندن پیام بین آن‌ها را بر عهده داشتیم. از همان ابتدا باور داشتم که تشکیل یابی و فعالیت در چارچوب سازمان‌یافته، بهترین راه برای پیشبرد اهداف مبارزاتی‌ام است.

از دهه شصت تاکنون، ارتباطم با احزاب چپ به‌ویژه کومله و حزب کمونیست کارگری قطع نشده است. حتی در دوران زندان نیز با این احزاب در ارتباط بودم و به‌صورت منظم اخبار و گزارش‌هایی را به آن‌ها منتقل می‌کردم.

کودکی‌ام را نه با بازی در کوچه‌ها که در سایه دود و خاک کوره‌پزخانه‌ها گذراندم. دهه شصت بود، زمانی که فقر مثل یک بیماری مسری در زندگی خانواده‌های زیادی ریشه دوانده بود. ما برای نان بارها مسیر کوره‌پزخانه‌های آبیک، تبریز و ارومیه را طی کردیم، جایی که کودکی رنگی نداشت و کار، تنها تعریف زندگی بود.

من با دستان کوچکم آجر می‌چیدم، خاک می‌کشیدم و بی‌هیچ اعتراضی، سهمم از جهان را به‌سختی به دست می‌آوردم. اما در دل همان روزهای سیاه، جرقه‌ای روشن شد: صدای خاموش کودکان باید شنیده شود. آن‌ها که مثل من بودند، باید کسی را داشته باشند که دردشان را بفهمد. در سال ۱۳۸۱، همزمان با شکل‌گیری چند تشکل کارگری، من به جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در تهران پیوستم. آنجا بود که فهمیدم صدای اعتراض، اگر از دل تجربه برخاسته باشد، می‌تواند دیوار سکوت را بشکند. اما این راه، بی‌هزینه نبود. بازداشت شدم، محاکمه شدم، اما سکوت نکردم. چون باور دارم هیچ‌چیزی مقدس‌تر از مبارزه برای کرامت انسانی کودکان نیست.

انترناسیونال: اسم شما بارها در دفاع از کودکان کار و خیابان شنیده شده است. یکی از اتهامات سنگین شما هم که برای آن سال‌ها زندانی شده‌اید همین دفاع از حقوق کودکان است. چطور شد در میان این همه مشکلات جامعه دفاع از حقوق کودک در اولویت فعالیت سیاسی شما قرار گرفت؟

بهنام ابراهیمزاده: من خودم یک کودک فقر و کار بودم. یادم هست در همان دهه شصت، بارها برای کمک به معاش خانواده، به همراه پدر و مادرم به کوره آجرپزی‌های آبیک، تبریز و ارومیه می‌رفتیم. با اینکه سن کمی داشتم، کار می‌کردم و از نزدیک فقر، فلاکت و تلاش خانواده‌ام برای داشتن یک زندگی بهتر را لمس کردم. آن

مقدمه: در این صفحه، انترناسیونال سراغ

فعالین حزب کمونیست کارگری می‌رود و

ضمن آشنایی مختصر با این رفقا با مروری بر زندگی سیاسی آن‌ها به جایگاه و اهمیت مبارزه متشکل و حزبی می‌پردازد. هدف به دست دادن تجربه حداکثری این فعالین در عرصه مبارزه سیاسی و انتقال تجربه سیاسی و مبارزاتی است.

انترناسیونال: نام شما به‌عنوان زندانی سیاسی که سال‌های زیادی اسیر حکومت اسلامی بوده است، بسیار شناخته شده است. جرم شما چه بود و چند سال در زندان بودید؟

بهنام ابراهیمزاده: با سلام به شما و خوانندگان عزیز. من از سال ۱۳۸۷ درگیر بازداشت، بازجویی و زندان بودم. در مجموع، هشت مرتبه توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، در خیابان یا با یورش شبانه به منزل، بازداشت شدم، آن هم در حضور خانواده‌ام و با تهدید و ارباب. اتهامات من شامل فعالیت و بلاگ‌نویسی، عضویت در تشکل‌های مستقل و آزادی‌خواه (که رژیم آن‌ها را "غیرقانونی" می‌خواند)، شرکت در تجمعات اعتراضی، تبلیغ علیه نظام و تأسیس تشکل دانشجویان و جوانان آزادی‌خواه و برابری‌طلب (ج.د.ا.ب) بود. به‌خاطر این فعالیت‌ها، مجموعاً هشت سال را در زندان‌های مختلف، از اوین گرفته تا رجایی‌شهر و دیزل‌آباد کرمانشاه سپری کردم. جالب است بدانید درحالی‌که فقط بیست روز به پایان محکومیتم باقی‌مانده بود، پس از حمله گارد ویژه به بند ۳۵۰ زندان اوین، دوباره برایم پرونده‌سازی شد و از درون زندان، با اتهامات جدید مواجه و محکوم شدم.

انترناسیونال: کجا به دنیا آمدید و منطقه محل زندگی خودتان را چطور توصیف می‌کنید؟ هم از نظر طبیعت منطقه هم از نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی.

بهنام ابراهیمزاده: من در شهر زیبای اشنویه، که به «شهر گیلان» شهرت دارد، به دنیا آمدم. اشنویه در غرب کشور و در همسایگی عراق و ترکیه قرار دارد، منطقه‌ای کوهستانی با طبیعتی بسیار سرسبز.

از نظر سیاسی، این منطقه در دهه شصت یکی از کانون‌های اصلی حضور احزاب مخالف جمهوری اسلامی به‌ویژه حزب دموکرات کردستان و کومله بود. درگیری‌های مسلحانه میان این احزاب و نیروهای حکومتی بسیار شدید بود. رژیم بارها شهر اشنویه و روستاهای اطراف، از جمله روستای محل زندگی ما، ده شمس را با توپ و راکت بمباران کرد. در جریان همین حملات کور، من دو عموی خود را از دست دادم و مادر بزرگ پدری‌ام نیز بر اثر اصابت راکت زخمی و دچار نقص عضو شد.

دهه شصت برای من و خانواده‌ام دوران سیاه و جان‌فرسای بود. ما قربانی جنگ، سرکوب و آوارگی شدیم و بارها از ترس حملات سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی، ناچار می‌شدیم روزها و هفته‌ها در کوه‌ها، جنگل‌ها یا زیر پل‌ها پنهان شویم تا جان سالم به در ببریم. این واقعیت تلخ زندگی بسیاری از مردم کردستان در آن دوران بود و متأسفانه همچنان ادامه دارد.

انترناسیونال: چه عواملی باعث شد که سیاسی بشوید، از چه سنی احساس کردید که می‌خواهید فعال سیاسی باشید و به طور مشخص

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۱۳

دوران هیچوقت از ذهنم پاک نمی شود.

همین تجربه های تلخ باعث شد وقتی بزرگتر شدم، تصمیم بگیرم صدای کودکانی باشم که هنوز درگیر همان سرنوشت اند. در سال ۱۳۸۱، درست زمانی که چند تشکل کارگری شکل گرفت، من هم به جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در تهران پیوستم. همیشه معتقد بودم که تنها از طریق کار جمعی و تشکیلاتی می توان به تغییر واقعی رسید.

همین فعالیت ها باعث شد که با اتهاماتی مثل اقدام علیه امنیت ملی روبه روشوم و بازداشت و محاکمه گردم. اما حتی در سخت ترین لحظه ها، باورم به حق کودکان و کارگران برای داشتن یک زندگی انسانی، هرگز کمرنگ نشد.

انترناسیونال: از زندان برای ما بگویید. شرایط آن برای شما چطور بود، چطور زندان را تاب آورید، آیا وحشت آفرین نیست که آدم برای اینکه به هدف و آرمان خود وفادار بماند، سختی انواع فشارها را به جان بخرد؟ این مقاومت چطور در شما شکل گرفت، محیط زندان و همبندان و عوامل دیگر چه تأثیری در ایجاد این مقاومت داشت؟

بهنام ابراهیمزاده: طبیعتاً زندان و به ویژه انفرادی بسیار سخت است، اما من هدفی در مبارزه داشتم و دارم که همانا ایجاد تغییر و دگرگونی است. در یک کلمه، هدف من زیرورو کردن این سیستم و سرنگونی حکومت بود. روزها، ماه ها و سال های بسیار سختی را در زندان سپری کردم، بدون حق استفاده از تلفن و ملاقات، حتی با وجود فرزند بیمارم، نیمای عزیز. تمام این مدت همراه با تبعید بود، و این شرایط برای من اصلاً آسان نبود. اما چون امید و انگیزه داشتم، مقاومت کردم.

وقتی برای اولین بار در بند وزارت اطلاعات و روبه روی بازجوها و شکنجه گران قرار گرفتم، روزهای اول بسیار وحشیانه من را مورد ضرب و شتم و انواع شکنجه های جسمی قرار دادند. مدام در گوشم می گفتند که اینجا آخر خط است، خدا تو را آورده؛ ولی دیگر نمی تواند تو را بیرون ببرد. به من می گفتند که "بهنام، تو اعدام خواهی شد." در آن زمان واقعاً باورم شده بود که اعدام می شوم، اما با وجود تمام این ها مقاومت کردم.

چیزی که بازجوها از این مقاومت من تعجب می کردند این بود که گاهی اوقات به من می گفتند: "اگر دویست روز این شکنجه ها را تحمل کنی، معلوم است که خیلی مقاوم هستی." و واقعاً من توانستم این روزها و سختی ها را تحمل کنم. در این مدت، من شاهد مقاومت و ایستادگی انسان های بزرگی چون زنده یاد فرزاد کمانگر و علی حیدریان بودم. همچنین مهم تر از همه این بود که من به طور آگاهانه وارد این مبارزه شده بودم، با هدف و انگیزه ای قوی. حمایت خانواده و هم تشکیلاتی هایم هم نقش مهمی در ایستادگی و مقاومت من داشت.

انترناسیونال: تلخ ترین و شادترین خاطرات طی این همه فعالیت سیاسی که در ایران داشتی کدام ها هستند؟

بهنام ابراهیمزاده: تلخی ها زیادند، اما برخی از آن ها عمیق تر و دردناک ترند. از دست دادن دو تا از عموهایم در دهه شصت، بیماری تنها فرزند عزیزم نیا و بعد از آن از دست دادن او، مرگ میلان حقیقی پسرخاله جوانم در انقلاب ژینا در اشنویه، مرگ و اعدام بسیاری از همبندی ها و هم سلولی هایم از جمله لقمان وزانیر مرادی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، جعفر کاظمی، و غلامرضا خسروی، همه از تلخ ترین لحظات زندگی ام

بودند. این تجربیات پُر از درد و غم به یادم مانده اند و همیشه با خود دارم. اما شادترین لحظات زندگی من، تولد نیا، تنها فرزند عزیزم بود که لحظه ای پُر از خوشبختی و امید برایم ایجاد کرد. همچنین، دریافت جایزه ای حقوق بشری به پاس فعالیت های حقوق بشری ام در زندان، از دیگر لحظات شادی بود که به رغم تمام سختی ها، احساس کردم که تلاش ها و مبارزاتم به نوعی قدردانی شده اند و ارزش داشته اند. این دو نوع تجربه، تلخی و شادی، در کنار هم برای من معانی عمیق و متفاوتی دارند و هر کدام بخشی از داستان من و مبارزاتم را شکل می دهند.

انترناسیونال: راستی چه سالی زندانی و چه سالی آزاد شدید؟ آیا غیر از اتهام دفاع از حقوق کودکان با جرم سیاسی هم روبرو شدید؛ مثلاً عضویت و طرفداری از احزاب سیاسی؟ از تجربه بازجویی خودتان نیز اگر ممکن است برای ما بگویید.

بهنام ابراهیمزاده: من اولین بار در سال ۱۳۸۷ در اشنویه به جرم شعارنویسی بازداشت شدم. مدت بازداشتم کوتاه بود، ولی همان برخورد اول با سیستم امنیتی، تأثیر عمیقی روی من گذاشت. بازداشت دوم در سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد، و نهایتاً در اول ماه می (روز جهانی کارگر) سال ۱۳۹۶، بعد از تحمل هشت سال زندان، آزاد شدم.

اتهام های من گسترده بود. از دفاع از حقوق کودکان گرفته تا وبلاگ نویسی، شرکت در تجمعات اعتراضی، عضویت در تشکل های مستقل، و البته هواداری از احزاب، به ویژه حزب کمونیست کارگری. همه این ها برای دستگاه امنیتی جرم محسوب می شد.

یکی از بازجویی های که هیچوقت فراموش نمی کنم، مربوط به سالگرد احمد شاملو بود. توی ورقه بازجویی نوشته بودن: "آیا شما عضو حزب کمونیست کارگری هستید؟" و من با تمام شهامت نوشتم: "بله، من با افتخار عضو حزب کمونیست کارگری هستم." این جواب طوری برای بازجو جالب بود که خودش هم مکث کرد. چون در همان موقع، کسانی که همراه من بازداشت شده بودند، از ترس، یا سکوت می کردند یا سعی داشتند خودشان را بی گناه نشان بدهند. ولی من با همه سختی های که تجربه کرده بودم، با صدای بلند و روشن گفتم: "بله، عضو حزبم؛ می خواهید چه کارم کنید؟" (شاید برای خوانندگان شما باورش سخت باشد؛ اما دیگر هیچ چیز برای از دست دادن نداشتم و در طول هشت سال چون تجربیات زیادی کسب کرده بودم و با روحیات بازجوها خوب آشنا شده بودم این جواب را دادم تا به خیال خودم شاید بازجویان را در هم بشکنم و بگویم شما هیچی نیستید.)

در ادامه سؤال شما اشاره کنم که من همچنان فعالانه در عرصه سیاسی و اجتماعی حضور دارم. تمرکز من مبارزه علیه اعدام، دفاع از حقوق شهروندی و مدنی، و حمایت از کودکان و کارگران و زنان در برابر سرکوب و تبعیض است. صدای من، صدای کسانی است که حق حرف زدن ندارند یا سرکوب شده اند.

انترناسیونال: بارها شده بود که از ایران با تلویزیون کانال جدید مصاحبه کردید. این برای شما خطرناک نبود؟ نمی ترسیدید که مجدداً به خاطر مصاحبه با یک تلویزیون سرنگونی طلب دستگیر و زندانی شوید؟

بهنام ابراهیمزاده: درست می گویند، من بارها هم با تلویزیون مصاحبه کردم، هم مستقیماً با تلفن در برنامه های زنده شرکت کردم، صحبت کردم، نظرم دادم و حتی گاهی فراخوان هم دادم. آن موقع، تلویزیون ها زیاد نبودند، شبکه های اجتماعی هم مثل حالا نبودند، و من یک جوان پُرشور، فعال و جستجوگر بودم، درست در دورانی که مخالفت و حرف زدن از اسلام و مذهب، ادامه در صفحه ۱۵

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری از صفحه ۱۴

تابو و واقعاً خطرناک بود.

ولی یک حزب و یک تلویزیون بود که علناً این مقدسات را به چالش می کشید، آگاهی می داد، روشنگری می کرد. نشریات و مطالبش به سختی به دست ما می رسید، ولی حرف دل من جوان ایرانی بود. من نه تنها نمی ترسیدم، بلکه از خودم ناراحت بودم که چرا نمی توانم بیشتر کار کنم، بیشتر مبارزه کنم.

مصاحبه و تماس هایم با کانال جدید، فقط یک گوشه از مبارزات من و رفقایم بود. ما بارها، چه تنها چه گروهی، وقتی که تلویزیون فقط به روی "تل استار ۱۲" بود برای معرفی تلویزیون کانال جدید شعارنویسی می کردیم، نشریات حزب را پخش می کردیم و فرکانس تلویزیون را روی دیوارهای شهر و روستا می نوشتیم.

به گفته همه کسانی که چه در زندان، چه بیرون، کنارم بودند، ترس برای من معنی و وجود خارجی نداشت. من واقعاً برای هر اتفاق غیرمنتظره ای آماده بودم و راستش را بخواهید، هیچ اتفاق تلخی برایم تلخ تر از ازدست دادن نیمای عزیزم نبود.

انترناسیونال: بالاخره مجبور شدید ایران را ترک کنید. آیا از نظر عاطفی و ذهنی برایتان سخت بود که از ایران خارج شوید، یا این همه فعالیت برای رسیدن به یک کشور امن بود که بقیه عمرتان را به راحتی زندگی کنید؟

بهنام ابراهیم زده: من به خیلی چیزها فکر می کردم، اما هرگز به "رفتن" فکر نمی کردم. همیشه مخالف ترک کشور بودم. هشت سال از بهترین سال های جوانی ام را در سخت ترین شرایط در زندان های مختلف گذراندم. بعد از آزادی هم، چهار بار دیگر بازداشت شدم و در دو پرونده مجموعاً شش سال و نیم حکم گرفتم که اکنون با وثیقه بیرون هستم.

خارج شدن از ایران برایم بسیار سخت بود، اما هیچ راهی برایم نگذاشتند. من عاشق کشورم و شهرم هستم، به ویژه تهران و کردستان. برای همین هم با وجود اینکه نزدیک به دو سال است در آلمان زندگی می کنم، هنوز می گویم: «من تازه آمده ام» - چون نمی خواهم نبودنم طولانی شود.

در ایران خانواده ام، پدر و مادر، برادر، برادرزاده ها و دوستان و عزیزان بسیاری دارم. سال ها در کنار کارگران، بانزشتگان، معلمان، دانشجویان و دیگران، در دل کشور، دوشادوش هم مبارزه کردیم. طبیعی است که ترک این ها برایم بسیار سخت بوده و هست.

شب و روز در خیالم در کوچه ها و خیابان های شهرم قدم می زنم. حتی بسیاری شب ها با کابوس از خواب می پریم. اکنون در کشور امنی زندگی می کنم، اما زندگی اینجا هم آسان نیست. ما روزانه با ده ها نفر از داخل ایران در ارتباطیم. ماه ها در مناطق زلزله زده کرمانشاه بودم؛ هنوز خانواده هایی هستند که شماره ما را پیدا می کنند و تماس می گیرند، برای کمک مالی، یا برای حمایت از خانواده های آسیب دیده، زندانیان سیاسی، یا کسانی که در اعتراضات ژینا آسیب دیدند. مگر می شود این ها را دید و شنید و بعد راحت زندگی کرد؟

انترناسیونال: می بینیم همچنان با همه توان و با انرژی زیادی علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کنید. تا کی می خواهید به مبارزه خودتان ادامه بدهید؟

بهنام ابراهیم زده: من آدم سیاسی هستم، از خانواده ای سیاسی آمدم،

با تشکلهای کار کردم، زندان رفتم، هزینه دادم، عزیزانم را از دست دادم و مجبور به ترک کشورم شدم. می خواهم این وضعیت تغییر کند، جمهوری اسلامی برود. من نمی توانم ساکت باشم. من تا نفس دارم مبارزه می کنم و علیه این رژیم هار اسلامی می جنگم. من هم به عنوان کسی که در این مسیر تلاش می کنم، می فهمم که مبارزه با رژیمی مثل جمهوری اسلامی تنها با فداکاری های فردی و جمعی ممکن است. در حال حاضر، شرایط در آلمان به نظر می رسد که فضای مناسبی برای فعالیت های سیاسی بیشتر فراهم کرده. امیدوارم که بتوانیم از این فضا برای افزایش آگاهی و تقویت مبارزه علیه رژیم استفاده کنیم.

انترناسیونال: شما در ایران هم عضو حزب کمونیست کارگری بودید. حالا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری هستید. پروسه انتخاب شدن شما از عضو حزب تا عضو کمیته مرکزی چگونه طی شد؟ چه مرجعی قبول کرده است که شما می توانید چنین جایگاهی داشته باشید؟ برای شما عضویت در یک حزب کمونیستی چه جایگاه سیاسی و شخصی دارد؟ چرا فکر می کنید فعالیت با این حزب معین در زندگی سیاسی شما تعیین کننده و مفید است؟

بهنام ابراهیم زده: من از همان ابتدا با حزب کمونیست ایران و کومله و حزب کمونیست کارگری همراه بودم و عضو آن شدم، چه زمانی که کومله و حزب کمونیست ایران فعال بودند و چه بعد از آن و در زمان تشکیل حزب کمونیست کارگری. فکر می کنم شهلا دانشفر و شیوا محبوبی و سیامک بهاری و بسیاری از دوستان دیگر در حزب خوب آگاهاند که من در داخل کشور چه کارهایی می کردم. کسانی مانند شهلا دانشفر، اصغر کریمی، شیوا محبوبی و سیامک بهاری، کیوان جاوید و... فعالیت ها و مبارزات من را در دل ایران و زندان ها شاهد بودند. این افراد مرجع خوبی برای ارزیابی فعالیت هایم هستند.

ضمناً، من هیچ وقت از قبل برنامه ریزی نکرده بودم که در کنگره بخواهم به کمیته مرکزی راه پیدا کنم، اما در آن زمان دوستانی از من خواستند که کاندیدا شوم و من هم این کار را کردم و موفق شدم رأی بیاورم. برای من، کسی که در دل ایران شجاعانه و دلسوزانه با حزب کار کرده و در خارج از کشور نیز کم نگذاشته است، دیگر نیازی به مرجع و پروسه خاصی نیست. همیشه خودم را جزئی از حزب می دانستم و حزب را خانواده ام می شناختم. باین حال در ایران کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری عضویت را تأیید کرد و به عنوان عضو کمیته مرکزی هم حتماً باید در انتخابات رأی لازم را به دست آورد و من در کنگره سیزدهم حزب در خرداد ۱۴۰۳، ژوئن ۲۴ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدم.

طبیعی است که کسی که در داخل کشور عضو تشکیلاتی بوده، در خارج از کشور نیز خواستار تشکیلات باشد. برای من، عضویت در حزب از نظر جایگاه سیاسی بسیار ارزشمند و مهم است. در بسیاری از نشست ها، دوره های و کنفرانس ها به نمایندگی از حزب حضور داشتم و دارم. این حضور اعتبار و جایگاه من را نشان می دهد.

من حزب کمونیست کارگری را بزرگ ترین، پیشروترین، رادیکال ترین و بهروزترین حزب سیاسی می دانم و معتقدم با این حزب می توان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد و یک جامعه آزاد و مرفه و برابر ایجاد کرد. به امید کسب قدرت سیاسی و برقراری یک حکومت شورایی.

زنده باد مبارزات کارگران و مردم به ستوه آمده ایران

سایر اطلاعاتی‌های هفته اخیر

اعتراضات علیه اعدام

و در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام
تجمع و اعتراض علیه اعدام چند زندانی در دزفول

امروز ۱۰ اردیبهشت شماری از مردم معترض در دزفول در اقدامی متحدانه برای جلوگیری از اعدام دوتن از جوانان شهر به نام‌های کریم فرخ‌وند و محمود استاد ممزایی که با وجود گذشت شاکیان، حکم اعدامشان لغو نشده و قرار است فردا اجرا شود تجمع و اعتراض کردند. مردم دزفول با این اقدام مبارزاتی خود الگویی برای جلوگیری از اعدام را در تمام شهرها به دست می‌دهند.

جمهوری جنایت‌کار اسلامی به اعدام‌ها گسترش داده است و هر روز شماری از زندانیان را تحت عناوین مختلف به چوبه‌های دار می‌سپارد. در مقابل این حکومت آدمکش، جنبش گسترده‌ای علیه اعدام به جریان افتاده است. شعار نه به اعدام، اعدام تحت هر عنوانی باید لغو شود یک گفتمان مهم روز جهانی کارگر امسال است. روز گذشته نهم اردیبهشت سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۴۱ زندان کشور با گفتمان اعدام تحت هر جرمی باید متوقف شود و احکام اعدام باید لغو گردند هفته شصت و ششم خود را پشت سر گذاشت. در این روز زنان زندانی سیاسی در زندان اوین با برگزاری تحصن کوتاه، همبستگی خود را با تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین اعلام کرده و علیه مجازات اعدام شعار سر دادند.

تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در چند شهر

امروز سه‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه - همزمان با شصت و ششمین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» خانواده زندانیان سیاسی و جوانان معترض در چهار شهر با تجمع و در دست داشتن پلاکاردهای نه به اعدام و عکس زندانیان سیاسی محکوم به اعدام اعتراض خود را با صدور احکام اعدام ابراز کردند. در شهرهای تهران، رشت، بوکان و شهریار خانواده‌های زندانیان جمع شدند و با بلند کردن پلاکاردهای نه به اعدام حمایت خود را از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و زندانیان محکوم به اعدام ابراز کردند.

در این هفته همچنین دامنه تجمعات خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتراض به حکم اعدام فرزندان و علیه اعدام‌ها به شهرهای بیشتری کشیده شد. در تهران این چندمین تجمع این خانواده‌ها بود که برگزار شد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام تصاویر فرزندان و ده زندانی سیاسی محکوم به اعدام وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی سنگدهی، ابوالحسن منتظر، بابک علیپور، اکبر دانشورکار، مهدی حسنی، بهروز احسانی اسلاملو، محمدجواد وفایی ثانی و منوچهر فلاح را در دست گرفته بودند و با صدای بلند شعار «نه به اعدام»، «نه به احکام ظالمانه اعدام» سر دادند. آنها همچنین دست‌نوشته‌هایی با شعارهای «نه به اعدام»، «لغو فوری اعدام» در دست داشتند.

اعتراض جوانان شهریار، بوکان و رشت علیه اعدام‌ها

در این روز در شهریار نیز جوانان معترض در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام برای زندانیان سیاسی تجمع کردند و ضمن حمایت از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: نه به اعدام و سه‌شنبه‌های نه به اعدام

نظیر همین تجمع در بوکان و رشت برگزار شد و تجمع‌کنندگان حمایت خود را از سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳۰ آپریل ۲۰۲۵

جنب‌وجوش گرامیداشت روز جهانی کارگر

فراخوان معلمان به تجمعات روز یازده اردیبهشت، بازنشستگان به گرامیداشت اول مه در هفتم اردیبهشت و بیانیه یازده تشکل کارگری و اجتماعی

جنب‌وجوش و تحرکات برای گرامیداشت روز جهانی کارگر در ایران در جریان است. روز جهانی کارگر یازده اردیبهشت و روز معلم دوازده اردیبهشت در کنار هم قرار دارند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان به مناسبت هفته معلم معلمان را برای ساعت ده صبح یازده اردیبهشت به تجمع سراسری در مقابل مراکز آموزش و پرورش فراخوانده است. با تجمعات معلمان در سطح سراسری در ۱۱ اردیبهشت خودبه‌خود فضای اول مه گرمی ویژه‌ای پیدا خواهد کرد.

خواسته‌هایی که معلمان قرار است به‌خاطر آنها تجمع کنند نیز قابل‌توجه و مهم است و فراخوان ما به پیوستن وسیع خانواده‌های دانش‌آموزان همراه با فرزندان‌شان در این تجمعات است.

مطالبات اعلام شده در این فراخوان در سه بخش معیشتی، آموزشی و حقوقی و مدنی بیان شده و عبارت‌اند از: تعیین دستمزد عادلانه برای معلمان شاغل و بازنشسته، به‌گونه‌ای که حداقل تا بالای سطح خط فقر باشد، تعیین بیمه تکمیلی قوی، کارآمد و فراگیر برای همه معلمان شاغل و بازنشسته و دانش‌آموزان، تعیین تکلیف فوری معلمان خرید خدمتی، حق‌التدریس و سرایداران مدرسه و رسیدگی به وضعیت معیشتی آن‌ها از طریق پرداخت دستمزد و بیمه عادلانه، پرداخت بدون تأخیر پاداش پایان خدمت معلمان در سال بازنشستگی همچون سایر نهادهای دولتی، اجرای کامل و واقعی همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین آموزش و پرورش، تدوین اساس‌نامه جدید صندوق ذخیره فرهنگیان با هدف تبدیل آن به شرکتی با مالکیت و مدیریت فرهنگیان و اداره توسط خودشان، آموزش رایگان و باکیفیت در مدارس و رفع تبعیض‌های جنسیتی و ارائه آموزش‌های جنسی و اجتماعی در مدارس در جهت کاهش مشکلات اجتماعی دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی برای جلوگیری از بازماندگی از تحصیل و بازگرداندن کودکان محروم به نظام آموزشی کشور، پذیرش حق آموزش به زبان مادری و اجرای مفاد آن به‌عنوان گامی در راستای عدالت آموزشی، اختصاص بودجه مناسب و کافی برای مدارس، لغو تمامی احکام صادره توسط حراست و هیئت‌های تخلفات اداری علیه فرهنگیان و دانشجو معلمان به دلیل فعالیت‌های صنفی، به‌رسمیت شناختن تشکلهای صنفی مستقل و حق تشکلیابی و برگزاری تجمعات و لغو هر گونه قرارداد یا تفاهم‌نامه‌ای که باعث دخالت یا ورود نیروهای انتظامی و امنیتی به ساحت مدرسه شود.

در پایان این فراخوان چنین آمده است: "ما آمده‌ایم که آموزش را نجات دهیم، منزلت معلم را بازگردانیم و آینده کودکان این سرزمین را از دست‌انداز سوداگری و تبعیض بیرون بکشیم. این راه را با انکا به وحدت، آگاهی و حق‌خواهی ادامه خواهیم داد."

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواسته‌ها و فراخوان معلمان به تجمع حمایت می‌کند و همه معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان و همه مردم را به پیوستن به این حرکت اعتراضی فرا می‌خواند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز با اشاره به فرارسیدن روز جهانی کارگر برای یکشنبه این هفته فراخوان بر برگزاری تجمع داده‌اند. از جمله در بخشی از فراخوان بازنشستگان تأمین اجتماعی در گیلان چنین آمده است: "در آستانه روز جهانی کارگر و روز معلم، حاکمان سرمایه‌سالار در حال تجارت مرگ بوده و نظام سلامت فروپاشیده و سازمان غذا و دارو تماشاگر سترون شدن خود می‌باشد. مدارس زیر چکمه نظامیان و وزیر

سراسری است و خواست‌های فوری آنها عبارت‌اند: حذف کامل پیمانکاران نفت، افزایش مزد متناسب با تورم و گرانی افسارگسیخته بازار، اعمال مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداخت‌های مزدی، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل و...

همچنین در روز گذشته پنجم اردیبهشت اهالی روستای دهمورد در شهرستان بختگان استان فارس برای چندمین بار در اعتراض به خطرات زیست‌محیطی بهره‌برداری از این معدن مقابل معدن تجمع کردند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کشاورزان دشت گرمسار و آرادان در اعتراض به عدم رهاسازی آب از سد نمرود و بحرانی شدن وضع کشت و زمینشان انجام گرفت.

آخرین خبر مربوط به برگزاری جشن‌های "فستیوال کوچه" بوشهر است که با وجود تلاش مأموران حکومت برگزار شد و جمعیت بزرگی از مردم با رقص‌های مختلف خود در کف خیابان بساط آوارتاید جنسیتی حکومت را به چالش کشیدند. این برنامه ابتدا قرار بود فقط در سه مکان از پیش تعیین شده انجام گیرد؛ اما در عکس‌العمل با مخالفت حکومت، تمام شهر را در بر گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۶ آپریل ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در چند شهر بازنشستگان با بزرگی روز جهانی کارگر اگرامی داشتند

تجمعات و اعتراضات بازنشستگان اکنون به یک جزء جدایی‌ناپذیر از جامعه امروز ایران تبدیل شده و هر روز در گوشه‌وکنار کشور توجه عمومی را به اعتراضات و خواست‌های پیشرو آنان جلب می‌کند.

امروز هفتم اردیبهشت‌ماه و در آستانه روز جهانی کارگر بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معدن همچون یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری خواست‌های خود در چندین شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

در اهواز بازنشستگان در جلوی صف راهپیمایی خود بنر بزرگی را برافراشته بودند که روی آن نوشته شده "اول مه روز جهانی کارگر اگرامی باد". آنها همچنین شعار می‌دادند "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "ایران غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "شورای عالی کار، حامی سرمایه‌دار"، و "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون". در این روز تجمعات بازنشستگان در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه، اصفهان و تهران بر پا شد.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند و در عکس‌العمل و خشم نسبت به انفجارات بندر رجایی شعار می‌دادند "از معدن تا بندر/محل قتل کارگر" و با خانواده‌های جان‌باختگان انفجار هولناک در اسکله رجایی ابراز همبستگی و همدردی می‌کردند. طبق آخرین خبرها در این انفجار و آتش‌سوزی بیش حداقل ۲۵ نفر کشته و بیش از هزار نفر مصدوم شده‌اند. حکومت طبق معمول آمار دقیقی از تلفات این آتش‌سوزی را اعلام نمی‌کند. شعارهای دیگر بازنشستگان در این تجمع عبارت بودند از: "دزدی‌های نجومی / فلاکت عمومی"، "شورای عالی کار/ حامی سرمایه‌دار"، "معلم زندانی/ آزاد باید گردد"، "بازنشسته زندانی/ آزاد باید گردد"، "فقط کف خیابان/ به دست میاد حقمان"، "نه جنگ میخوایم/نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، "معترض زندانی/ آزاد باید گردد"، "خواسته ما هر زمان /صلح، رفاه، آزادی".

در تهران بازنشستگان تأمین اجتماعی در مقابل سازمان تأمین اجتماعی و فولاد مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند. در شوش بازنشستگان از شهرهای هفت‌تپه و کرخه و شوش مقابل فرماندار تجمع کرده بودند و با سرود زیر بر ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی بساط چپاول و بردگی حاکم را به چالش کشیدند. بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "ننگ ما، ننگ ما، دولت‌الدنگ ما"، "از خوزستان

آموزش و پرورش که قرار بود معلمی کند، چکمه‌پوش شد، فرودستان و اقشار کم‌درآمد به حال خود رها شده و برای به‌دست آوردن مایحتاج مجبور به انصراف از درمان بیماری خاص می‌باشند؛ بنابراین تنها راه باقی‌مانده، پیوستن به یکشنبه‌های اعتراضی سراسری، دوشادوش کارگران، بازایستادگان، با حضور و حمایت معلمان و سایر اقشار می‌باشد و به خیابان آمده و شعر "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی / جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" را زندگی کرد.

قبلاً نیز کارگران نیشکر هفت‌تپه با اشاره به برگزاری روز جهانی کارگر در این مجتمع کارگری بر گرامیداشت روز جهانی کارگر امسال تأکید کرده‌اند.

و بالاخره یازده تشکل کارگری و اجتماعی با بیانیه مشترکی به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "اول ماه مه در ایران در دل استمرار انقلاب «زن، زندگی، آزادی» با گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، زنان و سایر اقشار اجتماعی برای تغییر شرایط موجود و پایان دادن به تبعیض، ستم و استثمار و قدرت سیاسی مافوق مردم در پی سابقه‌ترین نارضایتی و خشم عمومی، جامعه را در یک رویارویی قطبی برای تعیین تکلیف قرار داده است". در ادامه بیانیه با اشاره به وضع بد معیشتی کارگران و کل جامعه و سرکوبگری‌های حکومت بر گرامیداشت روز جهانی کارگر تأکید کرده و می‌نویسد: "اول مه را در کارخانه، خیابان، مدرسه، بیمارستان، و همه جای جامعه، با شکوه بیشتری گرامی بداریم. با خانواده‌هایمان در این روز تاریخی همراه شویم، "زن، زندگی، آزادی" را فریاد بزنیم و با صغی متحد و سراسری، عزم خود را برای پایان دادن به مناسبات کنونی اعلام کنیم.

یازده تشکل امضاکننده این بیانیه عبارت‌اند از: اتحاد بازنشستگان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، اعدام نکنید، چالش صغی معلمان ایران، دادخواهان، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، کنون گفتگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی، ندای زنان ایران

حزب کمونیست کارگری بر برگزاری یک اول مه شاد، باشکوه، تودهای که نمایش از اتحاد مبارزاتی کارگران و همه مردم باشد تأکید می‌کند. زنده‌باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۶ آپریل ۲۰۲۵

تجمع کارگران معدن تیتانیوم کهنوج، کارگران ارکان ثالث نفت، و اخباری دیگر

امروز شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ده‌ها کارگر معدن تیتانیوم کهنوج در استان کرمان، در اعتراض به اخراج‌های گسترده مقابل این شرکت معدنی تجمع کردند. به گفته کارگران طی ماه‌های اخیر بیش از ۷۰ کارگر این معدن اخراج شده‌اند و در برابر اعتراض کارگران فقط وعده‌داده‌شده و اقدامی صورت نگرفته است. بحران در معدن تیتانیوم کهنوج، از ماه‌ها پیش آغاز شد و با اخراج ۱۰ کارگر در هفتم فروردین کارگران دست به اعتصاب زدند. معدن تیتانیوم کهنوج، یکی از بزرگ‌ترین ذخایر تیتانیوم ایران و جهان، سالانه ظرفیت استخراج چندین هزار تن ماده معدنی را دارد. ارزش بالای این معدن به دلیل کمیابی تیتانیوم و نقش کلیدی آن در صنایع استراتژیک همچون هوافضا، صنایع دفاعی و خودروسازی است. کارگران خواستار بازگشت به کار فوری نیروهای اخراج شده و پایان دادن به سیاست‌های ضدکارگری در معدن تیتانیوم کهنوج است.

در چهارم اردیبهشت‌ماه کارگران نفت از بخش ارکان ثالث فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان، سکوه‌های نفتی سلمان، رشادت، رسالت و بلال، در اعتراض به قراردادهای غیرشفاف، تأخیرهای مکرر در پرداخت حقوق و تبعیض‌های مزدی نسبت به سایر ارکان استخدای نفت دست از کار کشیدند و ضمن اولتیماتوم به مدیران نفت خواستار رسیدگی فوری به شرایط معیشتی و شغلی خود شدند. اعتراضات کارگران ارکان ثالث

داشتند.

در این روز همچنین جمعی از بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان از سراسر کشور که به تهران آمده بودند در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرایی نشدن همسان سازی حقوقها مقابل این دانشگاه تجمع کردند.

آخرین خبر مربوط به تجمع اعتراضی دوباره کارگران بلوچ شرکت کشت و صنعت مکران گوردیم کنارک در اعتراض به اخراج ها بود. طبق گزارشات ۹۰ کارگر این شرکت با بیش از پنج سال سابقه، اخراج شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۸ آپریل ۲۰۲۵

فراخوان های گسترده به مناسبت روز جهانی کارگر، حمایت بازنشستگان نفت از مردم بندرعباس و اخباری دیگر

فردا روز جهانی کارگر است و فراخوان به مناسبت گرامیداشت این روز از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، فضای اول مه امسال را رقم می زند. در راستای فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمعات سراسری معلمان در یازدهم اردیبهشت ماه، بازنشستگان در تهران، کرمانشاه و رشت بر برگزاری مراسم اول ماه مه همراه با معلمان تأکید کرده اند. قبلاً گزارش کردیم که بازنشستگان تأمین اجتماعی به مناسبت این روز و برای پیگیری مطالباتشان به تجمعات سراسری در ۱۱ اردیبهشت فراخوان داده اند. در همین راستا شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیررسمی نفت نیز طی بیانیه مشترکی ضمن حمایت از این فراخوان ها کارگران در بخش های مختلف نفت را به تجمع و اعتراض در روز جهانی کارگر و همبستگی با مردم بندرعباس فراخوانده اند. امروز نیز پرستاران و کادر درمان به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه داده و با تأکید بر بیانیه مشترک یازده تشکل کارگری و اجتماعی که خود از امضاکنندگان آن هستند، بیانیه داده و می نویسند "اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، با اتحاد و همدلی، بر عزم راسخ خود برای، پیگیری مطالبات بر حقمان هم پیمان می شویم!"

در حالی که جامعه از اعتراض می جوشد بخش های مختلف کارگری با فراخوان ها و بیانیه های اعتراضی خود به استقبال روز جهانی کارگر می روند. به ویژه فاجعه انفجار بندر چایی شهر و قربانی شدن شمار زیادی از کارگران و کارکنان این بندر، جامعه را تکان داده است. کارگران هفت تپه به تجمع روز جهانی کارگر در همبستگی با مردم بندرعباس فراخوان داده اند. در نهم اردیبهشت نیز بازنشستگان نفت در شیراز در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواست های شان تجمع کردند و با شعار "مردم بندرعباس تسلیت، تسلیت" اعتراض خود را به این فاجعه انسانی اعلام داشتند. فاجعه بندر چایی طبق آمار تاکنونی ۱۲۰ کشته و بیش از دو هزار مصدومی و ده ها نفر مفقود شده دارد و ابعاد انسانی آن بسیار گسترده تر از آن است که حکومت اعلام می کند. مردم حکومت را مسئول مستقیم این فاجعه دانسته و کاروان های همبستگی کامیون داران در مریوان و کاشان، پیام های همبستگی از سوی تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی و فریاد "از معدن تا بندر، قتل و کشتار کارگر" جلوه های باشکوهی از همبستگی های مردمی است که به گفتمان مهمی در مناسبت روز جهانی کارگر تبدیل شده است.

بدین گونه صدای اعتراض از هر گوشه جامعه بلند است. امروز دهم اردیبهشت نیز جمع بزرگی از نانوایان شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت یارانه نانواها مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. در این روز همچنین جمعی از مالکین زمین های شهرک هوانرور در اعتراض به چپاولگری ها تجمع کردند و مورد تعرض مأموران نیروی انتظامی، لباس شخصی ها و شلیک هوایی آنان قرار گرفتند و جمعیت با شعار بی شرف، بی شرف به اعتراض ادامه دادند. در چنین فضایی از اعتراض است که روز جهانی کار فرامی رسد و گفتمان بر سر گرامیداشت

تا گیلان ننگ بر این مدیران"، "از خوزستان تا سیستان ننگ بر این مدیران"، "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، "ننگ ما ننگ ما صداسیماي ما". از خواست ها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۷ آوریل ۲۰۲۵

فراخوان بازنشستگان تأمین اجتماعی برای ۱۱ اردیبهشت، و تجمعات بازنشستگان مخابرات

بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه اعتراضاتشان به فقر و بی تأمینی و کل بساط تبعیض، نابرابری، و چپاول و سرکوب حاکم، برای یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده اند. این تجمعات در ساعت ده صبح این روز در تهران مقابل سازمان تأمین اجتماعی و در شهرستان ها مقابل ادارات کل و شعب این سازمان برگزار خواهند شد.

در بخشی از این فراخوان چنین آمده است "احقاق حق و دستیابی به خواسته هایمان در گرو حضور پرشور و مستمر شما در کف خیابان است. تحقق عدالتی را خواهانیم که در گرو عرق جبین کارگران دیروز و بازنشستگان امروز تأمین اجتماعی بوده؛ اما صدای حقمان را گوش شنوایی نیست!!".

افزایش حقوقها، اجرایی شدن مصوبات انجام نگرفته و پرداخت برخی معوقات مزدی و برکناری مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی به خاطر ممانعت در اجرای مصوباتی که می تواند بهبودی در دریافتی های آنان ایجاد کند از جمله خواست های فوری بازنشستگان است. بازنشستگان تأمین اجتماعی با فریادهای اعتراضی خود علیه بساط چپاول و سرکوب حکومت و محرومیت از درمان رایگان و حقوقهای چندین بار زیر خط فقر صدای اعتراض کل جامعه هستند.

لازم به یادآوری است که برای روز ۱۱ اردیبهشت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز معلمان را برای پیگیری خواست های معیشتی، آموزشی و مدنی و اجتماعی خود به تجمعات سراسری در برابر مراکز آموزش و پرورش فراخوان داده است. افزایش حقوقها به بالای خط فقر که امروز سخن از سبد معیشتی شصت هفتاد میلیونی است، تحصیل رایگان و با کیفیت و رفع موانع ورود کودکان محروم از تحصیل و برگرداندن آنها به چرخه آموزش، درمان رایگان و لغو پرونده سازی های امنیتی و حق تشکل و اعتراض از جمله محورهای مهم مطالبات اعلام شده در بیانیه آنها به مناسبت هفته معلم و برپایی تجمعات یازده اردیبهشت برابر با روز جهانی کارگر است.

بدین گونه اول مه امسال روز اعتراض گسترده کارگران در اعتراض علیه فقر و بی تأمینی و برای حق داشتن زندگی ای انسانی است. از این فراخوان ها وسیع حمایت کنیم.

اعتراضات در آستانه روز جهانی کارگر گسترده است. امروز هشتم اردیبهشت ماه بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های هر هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، خرم آباد، بیجار، سنندج، تهران، دزفول، تبریز، ایلام، زنجان تجمع کردند.

در کرمانشاه و تهران بازنشستگان در ادامه تجمع خود راهپیمایی کردند و شعار دادند. شعارهای اعتراضی بازنشستگان مخابرات در تجمعات این روز از جمله عبارت بودند از "هم مجلس، هم دولت، ظلم میکن به ملت!"، "ستاد فرمان امام مخابرات و برده، حق ماها رو خورده!"، "ننگ بر ظالم"، "ظلم و ستم بس کنید حق ما رو پس بدید"، "شرکت پردرآمد بر سر تو چه آمد"، "جعفرپور! حیا کن! حق ما رو ادا کن!"، "سهام دار دروغگو، ننگت باد".

در اهواز بازنشستگان مخابرات در تجمع اعتراضی خود با فریاد "مردم بندرعباس تسلیت، تسلیت، حمایت و همبستگی خود را از مردم این شهر و خانواده های جان باختگان فاجعه انسانی در بندر چایی اعلام

این روز در میان کارگران و بخش‌های مختلف مردم وسعت گرفته است. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳۰ آپریل ۲۰۲۵

برگزاری اول مه، روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف

همبستگی اتحاد، چاره ظلم و بیداد

امروز پنج‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت برابر با اول ماه مه، در کرمانشاه به دنبال فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، انجمن فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمعی بزرگ را برگزار کردند. در این تجمع اعتراضی یکی از شرکت‌کنندگان طی سخنانی به مناسبت روز جهانی کارگر کيفرخواستی علیه سرمایه‌داری داد و روز جهانی کارگر را شادباش گفت. سخنان او با کف‌زدن جمعیت همراهی شد. سپس جمعیت یک‌صدا شعار دادند: "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر"، "معدن سودآور آوار مرگ کارگر"، "شورای عالی کار حامی سرمایه‌دار"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، و "ایران پردرآمد چه بر سر تو آمد".

در این تجمع همچنین از روز معلم و خواست‌های معلمان و همبستگی برای پیگیری آنها صحبت شد و جمعیت با شعار و کف‌زدن همراهی می‌کرد. به‌علاوه سخنرانان بر آزادی کارگران زندانی و معترضین در بند تأکید کردند و آزادی فوری آنها را خواستار شدند.

همچنین گزارشات از بخش وسیع تراکت‌هایی به مناسبت روز جهانی کارگر و شعارنویسی‌ها بر درودیوار در کرمانشاه و تهران و دزفول و بسیاری از شهرهای دیگر حکایت می‌کند.

در این روز همچنین در پاسخ به فراخوان سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان شاغل و بازنشسته در شهرهای مختلف از جمله تهران، شیراز، کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب، نورآباد ممسنی، هرسین علی‌رغم فضای شدید امنیتی مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برگزار کردند و بدین‌گونه معلمان با اعلام خواست‌هایشان و برای پیگیری آنها به استقبال هفته معلم رفتند.

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمعات برای امروز یازدهم اردیبهشت، اول مه روز جهانی کارگر را به هفته معلم متصل کرد. معلمان در تهران و رشت در پاسخ به این فراخوان بر برگزاری تجمع و گرامیداشت روز جهانی کارگر تأکید کرده بودند. در عین حال بازنشستگان نیز که به مناسبت روز جهانی کارگر و برای پیگیری مطالباتشان فراخوان به تجمعات سراسری داده بودند، در شهرهای تهران و رشت و کرمانشاه به شرکت در تجمعات معلمان در این روز تأکید کرده بودند. این تجمعات مصداق از اتحاد شاغل و بازنشسته بود.

بنا بر گزارشات در چند روز اخیر فعالین صنفی در استان‌های قزوین، کردستان، فارس، خوزستان، مازندران و کرمانشاه، گیلان، و مشهد... با انواع شیوه‌ها مورد تهدید قرار گرفتند. حتی برای معلمان پیامک ارسال شد و مورد تهدید قرار گرفتند که تجمع "غیرقانونی" است و نباید در آن شرکت نمایند. همچنین از شب قبل، تماس‌های تهدیدآمیز، احضار فعالان، و اعمال فشار بر خانواده‌های آنان بیشتر شد و در این روز نیروهای امنیتی در بسیاری از شهرها مستقیماً مانع شکل‌گیری تجمعات شدند و در مواردی نیز، چند نفر از معلمان بازداشت یا موقتاً مورد بازجویی قرار گرفتند.

طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به نقل از کانون صنفی فرهنگیان مازندران، از سه‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه تا ساعاتی مانده به زمان تجمع، اعضای فعال کانون و اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان کانون صنفی فرهنگیان مازندران طی تماس‌های تلفنی متعددی از سوی حراست، اطلاعات و پلیس امنیت مورد تهدید قرار گرفته و احضار شدند. به همه آنها اخطار داده شد که حق شرکت در تجمع را ندارند. حتی خانواده‌های آنها هم مورد تهدید قرار گرفتند. کانون صنفی فرهنگیان مازندران در این گزارش خبری می‌نویسد: "این کارهای از سر ترس و ذلت در حالی صورت گرفته که معلمان و بازنشستگان آموزش و پرورش سال‌هاست مطالباتشان بی‌پاسخ مانده و هر روز شرایط زندگی و شغلی‌شان سخت و

سخت‌تر می‌شود و حاکمیت برنامه‌های برای بهبود اوضاع گفته شده ندارد. بی شک جامعه فرهنگیان هیچ‌گاه از حقوق‌های قانونی خود و دانش‌آموزانش دست برنخواهد داشت و در این راه ثابت‌قدم‌تر از گذشته خواهد ماند.

بنا بر گزارش دیگری، در تهران نیز در صبح این روز علی‌رغم جو سنگین امنیتی جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در مقابل اداره کل آموزش و پرورش تهران تجمع کردند. اما با یورش نیروهای امنیتی و بازداشت حداقل ۴ نفر به اسامی ولی مرزا سیدی، فراخی شانندیز، احمد حیدری و صادقی روبرو شد. جو سنگین امنیتی در اطراف اداره آموزش و پرورش تهران به گونه‌ای بود که اجازه هیچ‌گونه عکس‌برداری به تجمع‌کنندگان نمی‌داد و معلمان شاغل و بازنشسته ناگزیر به ترک محل شدند و نیروهای امنیتی نیز تا ساعت یک بعدازظهر همچنان حضور داشتند.

در بوشهر نیز تعدادی از معلمان که قصد تجمع در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان را داشتند با برخورد و تهدید نیروهای امنیتی مواجه شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در گزارشات این روز خود با محکومیت برخوردهای امنیتی و انتظامی با تجمعات معلمان، بر پیگیری مطالبات معلمان شاغل و بازنشسته تأکید کرده است.

امروز روز جهانی کارگر جمعی از زنان در سقز به کارگاه‌هایی که زنان کار می‌کنند سر زدند و با تقدیم گل و شیرینی و قرائت بیانیه‌ای روز جهانی کارگر را تبریک گفتند و به این ترتیب روز کارگر را آغاز کردند

بدین‌گونه در اول مه امسال معلمان، بازنشستگان و بخش‌های مختلف کارگری به استقبال اول مه رفتند و این روز همبستگی طبقاتی کارگری را گرامی داشتند. بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

فراخوان‌ها و بیانیه‌های اول مه امسال گوشه‌ای زیبا از جدال کارگران و کل جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود. گزارشات تکمیلی را متعاقباً به اطلاع خواهیم رساند.

زنده‌باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱ مه ۲۰۲۵

گزارش تکمیلی از تحرکات در روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف

از معدن تا بندر محل قتل کارگر

همانطور که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم امروز یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر در پاسخ به فراخوان‌هایی که از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و بازنشستگان داده شده بود تجمعاتی در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار شد. این تجمعات در این روز در شهرهای کرمانشاه، شیراز، ممسنی و نورآباد، قزوین، هرسین، اسلام‌آباد غرب و اراک، برگزار شدند. در سقز و سنندج نیز در این روز جمعی از زنان در سقز و سنندج به کارگاه‌هایی که زنان کار می‌کنند سر زدند و با تقدیم گل و شیرینی و قرائت بیانیه‌ای روز جهانی کارگر را تبریک گفتند و به این ترتیب اول ماه مه را گرامی داشتند.

این در حالی است که در شهرهایی چون همدان، تهران، بوشهر، گیلان و مازندران نیروهای سرکوب حکومت مانع برگزاری این تجمع شدند. در جریان تعرضات حکومت این تجمعات بازتابی از اعتراضات کل جامعه علیه فقر، تبعیض، نابرابری، سرکوب و زندان و اختلاس‌گری‌های حاکم و اتحادی اجتماعی در ادامه جدال جانانه جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود. در جریان تعرضات نیروی انتظامی چهار نفر از معلمان معترض در تهران به اسامی ولی مرزا سیدی، فراخی شانندیز، احمد حیدری و صادقی و در همدان پیش از آغاز تجمع رضا مسلمی بازداشت شدند.

بازداشت‌شدگان اول مه باید فوری و بدون قید و شرط آزادی شدند. در این تجمعات همچنین روز معلم و خواست‌های معلمان و همبستگی برای پیگیری آنها صحبت شد و جمعیت با شعار و کف‌زدن همراهی می‌کرد. به‌علاوه سخنرانان بر آزادی کارگران زندانی و معترضین در بند تأکید کردند و

آزادی فوری آنها را خواستار شدند.

اول مه روز همبستگی طبقاتی کارگری است و یک نقطه برجسته تجمعات اعتراضی روز جهانی کارگر امسال اعلام حمایت و همبستگی با مردم بندرعباس با فریاد از معدن تا بندر محل قتل کارگر بود. در این روز کاروان کامیونداران در کرمانشاه شکل زیبایی از همبستگی با مردم بندرعباس بود. در روزهای قبل نیز کامیونداران در شهرهای شیراز، مریوان، دیزبچه و مشهد مارش همبستگی داشتند.

امروز همچنین زندانیان سیاسی در بند ۸ زندان اوین با تجمع در هواخوری این بند و با شعرخوانی و پخش شیرینی و سخنرانی‌های کوتاه اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرمی داشتند. در این گرامیداشت جمع قابل توجهی از زندانیان عادی هم شرکت داشتند.

بعلاوه گزارشات دریافتی از بخش وسیع تراکتهای به مناسبت روز جهانی کارگر و شعارنویسی‌ها بر درودیوار در کرمانشاه و تهران و دزفول و بسیاری از شهرهای دیگر حکایت می‌کند. یک حرکت اعتراضی دیگر امروز یازدهم اردیبهشت تجمع نانوایان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود در مقابل استانداری گیلان بود. در این حرکت اعتراضی یکی از نانوایان فریاد زد و گفت: "لعنت خدا به مسئولین پیوجان! این چه وضعی است؟ چرا ما باید قربانی بی کفایتی شما باشیم؟" و آخرین خبر اینکه در این روز مال‌باختگان متقاضیان مسکن ملی در قزوین همراه با خانواده‌ها در اعتراض به تأخیر یک‌ساله پیمانکار در تحویل مسکن خود برای "حق مسکن" دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

فراخوان‌ها و بیانیه‌های اول مه امسال نمادی از جدال کارگران و کل جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱ مه ۲۰۲۵

فراخوان به مناسبت اول ماه مه:

علیه جمهوری اسلامی

برای جامعه‌ای عاری از اعدام و نابرابری

در حالی به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر می‌رویم که تنها مدت کوتاهی پس از کشتار کارگران در معادن ایران، فاجعه‌ای دیگر در بندرعباس جان تعداد زیادی از کارگران و مردم بی‌گناه را گرفت و بیش از هزار نفر را مجروح کرد. بازنشستگان با شعار «از معدن تا بندر، محل قتل کارگر» به درستی جمهوری اسلامی را مسئول این جنایت هولناک معرفی کردند. فاجعه مرگبار بندرعباس نه یک حادثه، بلکه جنایتی تمام‌عیار بود؛ نتیجه بی‌تفاوتی رژیم که ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیست و زمینه‌ساز کشتارهای پیاپی شده است. این حوادث مکرر و دردناک، بی‌دلیل نیستند. ما با رژیمی روبرو هستیم که هر گوشه جامعه را به قتلگاه بدل کرده است.

تنها راه پایان دادن به این چرخه مرگ و جنایت، سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی عظیم و متحد خود مردم است. این شرایط اسفبار بار دیگر ما را به تداوم انقلاب و جنبش رهایی‌بخش «زن، زندگی، آزادی» فرا می‌خواند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام، ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر و حمایت قاطع از مطالبات به حق کارگران از جمله افزایش دستمزدها، حق اعتصاب و ایجاد تشکل مستقل، بیمه بیکاری مکفی و دیگر خواسته‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر، همگان را فرا می‌خواند تا در اجتماعات مرتبط با این روز به صورت گسترده شرکت کنند.

ما یک صدا اعتراض داریم: به دستمزدهای چندبرابر زیر خط فقر، به گرانی افسارگسیخته، به زن‌ستیزی و زن‌کشی، به تبعیض، نابرابری و ستم، به زندگی کودکان در فقر، به قطع مکرر آب و برق، به اعدام‌هایی که هرگز متوقف نمی‌شوند، به غارت و نابودی محیط زیست، به فساد و دزدی و چپاول ثروت جامعه، به بی‌حقوقی و محرومیت، به جنگ، بمب و موشک، به دستگیری و بازداشت دادخواهان و فعالین سیاسی و اجتماعی، به پایمال کردن حقوق و آزادی‌های مدنی مردم ایران و هزار و یک مصیبت اجتماعی دیگر که این رژیم باعث بانی آن است. ما خواهان کرامت انسانی و زندگی بهتر برای خود و همه

مردم جهان هستیم.

در اول ماه مه، به هر شکلی که می‌توانید، صدای اعتراضتان را علیه رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی و وضعیت سرکوب و ستم موجود بلندتر کنید. این جامعه، متعلق به ماست؛ به مردمانی که روز و شب زحمت می‌کشند؛ اما از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم‌اند.

جمهوری اسلامی با سرکوب و اعدام سر پا مانده است. با شعار «نه به اعدام؛ اعدام، قتل عمد دولتی است» باید ماشین سرکوب و آدم‌کشی این رژیم را هدف بگیریم و مسیر پیروزی بر این نظام فاسد را هموار سازیم.

جامعه جهانی باید بداند. همان‌گونه که در انقلاب ۱۴۰۱ نشان دادیم. مردم آزادی‌خواه ایران سر سوزنی قصد سازش با این رژیم را ندارند. مردم سال‌هاست که مشروعیت جمهوری اسلامی را رد کرده‌اند و این رژیم را نماینده مردم ایران نمی‌دانند.

ما از جامعه جهانی می‌خواهیم در کنار مردم ایران بایستند و این حکومت تبهکار را طرد و منزوی کنند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۲۹ آوریل ۲۰۲۵

گزارش جدید:

مرگ‌های "مشکوک" در بازداشتگاه‌های ایران

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران گزارشی را با عنوان نقض حق حیات: گزارشی درباره مرگ‌های "مشکوک" در زندان‌های رژیم اسلامی در ایران انتشار داده است. این اولین گزارش منتشر شده در این زمینه است.

اگرچه رژیم اسلامی سابقه طولانی در اعدام و قتل زندانیان سیاسی دارد، اما از زمان آغاز جنبش زن، زندگی، آزادی در سال ۲۰۲۲، قتل عمدی بازداشت‌شدگان به طرز نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است.

تعدادی از بازداشت‌شدگان در پی این اعتراضات توسط سپاه پاسداران به قتل رسیده‌اند و سپس رژیم علت مرگ را حمله قلبی، خودکشی، یا مصرف بیش از حد مواد اعلام کرده است. رژیم نه تنها هرگز به خانواده‌ها اجازه نداده است در رابطه با مرگ عزیزانشان تحقیقات مستقل انجام دهند، بلکه این خانواده‌ها را از دستیابی به حقیقت و حتی حق سوگواری محروم و مرتباً آنها را مورد تهدید قرار داده است.

این گزارش از ۳۹ زندانی که به دست رژیم به قتل رسیده‌اند اسم می‌برد. همه می‌دانیم که این تنها یک قطره از دریاست. تعداد بسیار زیادی در زندان‌ها در اثر شکنجه‌های مختلف از جمله شکنجه دارویی عامدانه به قتل رسیده‌اند؛ اما اطلاعات بسیار اندکی از آنها در دسترس است و به این دلیل در این گزارش اسمی زیادی قید نشده‌اند. در اکثر مواقع خانواده تهدید می‌شود که در رابطه با عزیز جان‌باخته‌اش صحبت نکنند.

این گزارش در حال حاضر تنها به زبان انگلیسی. در دسترس است و موارد مرگ‌های 'مشکوک' در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های رژیم اسلامی ایران در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ را مستند کرده است.

ما امیدواریم این گزارش قدم کوچکی در مستندسازی و دادخواهی جان‌باختگان و خانواده‌هایشان باشد.

این گزارش برای سازمان‌های جهانی، کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل، گزارشگران ویژه، سازمان جهانی علیه شکنجه و دولت‌ها ارسال شده است.

ما شما را به مطالعه و انتشار گسترده این گزارش دعوت می‌کنیم.

لینک گزارش:

<https://wp.me/p9yWrK-dso>

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

www.cfppi.org

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲-۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

جمعه ۱۲ اردیبهشت

- ماه منیر مولایی‌راد، مادر دادخواه کیان پیرفلک، از تخریب سنگ مزار فرزندش که در جریان شلیک نیروهای حکومتی به سوی مردم، در انقلاب زن زندگی آزادی به قتل رسید، توسط مزدوران حکومت خبر داد. جنایتی که به فریاد "حکومت کودک کش نمی‌خوایم، نمی‌خوایم، تبدیل شد". ما منیر مولایی‌راد، یکی از سمبل‌های خانواده‌های دادخواه است. او این اقدام حکومت را نشانه‌ای از پرچمی دانسته و می‌نویسد: "حکومت نه به کودک رحم می‌کند، نه به سنگ قبرش. امروز نوبت من بود، فردا نوبت دیگران." تخریب سنگ قبر کیان پیرفلک پس از حضور ماه منیر در مرکز انتقال خون بندرعباس صورت گرفت؛ جایی که او با خانواده‌های قربانیان فاجعه بندر رجایی، ابراز همدردی کرده بود. او گفت که این اقدام وحشیانه حکومت، پاسخی به همبستگی با مردم داغدار و تلاش برای بازتاب صدای مظلومان است.

حکومت اسلامی که با یک جنبش قدرتمند دادخواهی روبروست با تخریب مزار جان‌باختگان، می‌کوشد آثار جنایتش را کم‌رنگ کند. این حکومت حتی از سنگ قبر نیز وحشت دارد.

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت

- نیروهای جنایت‌کار جمهوری اسلامی یک شهروند اهل دزفول به نام عظیم فرخوند، شهروند ۳۵ ساله که در اعتراض به اعدام یکی از بستگانش به همراه خانواده‌ها و شماری از مردم تجمع کرده بودند را، با شلیک گلوله به قتل رساندند. بنا بر خبر دریافتی، حکومت جمهوری اسلامی، در سحرگاه این روز کریم فرخوند ۵۵ ساله و محمود استاد که به اتهام "سرقت مسلحانه" حکم اعدام داشتند را به طناب دار آویخت.

لازم به یادآوری است که در روز سه‌شنبه نهم اردیبهشت تجمع گسترده مردمی برای توقف این احکام در مقابل زندان دزفول شکل گرفته بود. به گفته زندمیدان نوید افکاری جمهوری اسلامی برای طناب دارش به دنبال گردن است. این دو جوان در حالی اعدام شدند که شاکیان پرونده، خواهان بخشش آنان شده بودند. جنبش بخشش بازتاب جنبش قدرتمند نه به اعدام است. حکومت سعی می‌کند در چهارچوب مجازات‌های جنایت‌کارانه اسلامی و مجازات قصاص خانواده‌های مقتولین را در جنایت خود و اجرای احکام اعدام شریک کند. اما جنبش بخشش دست رد مردم، به این توطئه جنایت‌کارانه و کثیف حکومت و عقب زدن قانون جنایت‌کارانه قصاص زده است. قوانین مجازات‌های اسلامی از جمله قانون قصاص را همراه با خود حکومت کشتار و اعدام به زیاله‌دان باید سپرد.

- بر اساس گزارشات هواشناسی رسمی حکومتی، هوای آبادان در این روز با شاخص ۱۵۱، اهواز ۱۵۸، بهبهان و خرمشهر ۱۵۲، ماهشهر ۱۷۸، سوسنگرد ۱۸۹، گتوند ۱۵۵، هندیجان ۱۵۶ و هویزه ۱۷۳ در وضعیت ناسالم قرار داشت. همچنین هوای شهرهای امیدیه با شاخص ۱۳۹، اندیمشک ۱۳۳، حمیدیه ۱۱۵، دزفول ۱۳۷، رامشیر ۱۲۷ و شوشتر ۱۴۱ در وضعیت ناسالمی برای گروه‌های حساس است. آلودگی هوا در این استان به حدی است که خود حکومت در گزارشاتش افراد مبتلا به بیماری قلبی یا ریوی، سالمندان و کودکان را از فعالیت‌های طولانی یا سنگین خارج از منزل پرهیز می‌دهد و بر کاهش فعالیت سایر افراد در چنین هوایی تأکید می‌کند. بدین ترتیب آلودگی هوا باعث رکود کار

و زندگی در این استان و بسیاری مناطق دیگر شده است.

آلودگی هوا به‌خاطر سیاست‌های مخرب حکومت در قبال محیط‌زیست از مردم قربانی می‌گیرد. جنبش علیه تخریب محیط‌زیست و چپاولگری‌های زیست‌محیطی حکومت جنبشی قوی در ایران خصوصاً در خوزستان است. وسیعاً به این جنبش پیوندیم.

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت

- شماری از مردم معترض در دزفول در اقدامی متحدانه برای جلوگیری از اعدام دو تن از جوانان شهر به نام‌های کریم فرخوند و محمود استاد ممزایی که با وجود گذشت شاکیان خصوصی، حکم اعدامشان لغو نشده و قرار است فردا اجرا شود، تجمع و اعتراض کردند. مردم دزفول با این اقدام مبارزاتی خود الگویی برای جلوگیری از اعدام را در تمام شهرها به دست می‌دهند.

- کارگران هفت‌تپه به تجمع روز جهانی کارگر در همبستگی با مردم بندرعباس فراخوان داده‌اند.

- جمعی از مرقداران استان خوزستان در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه و قیمت‌گذاری ظالمانه حکومت که موجب وخامت بیشتر معیشتشان شده، مقابل اداره جهاد کشاورزی و دادگستری اهواز تجمع کردند.

- یک زندانی در شوشتر که از بابت اتهام قتل، به اعدام محکوم شده بود بعد از دوازده سال حبس با کسب رضایت خانواده مقتول از چوبه دار رهایی یافت. رضایت خانواده‌های مقتول که خود عزیزی را از دست داده‌اند، یک نه بزرگ به سنت شنیع اسلامی قصاص است.

- کارگران حفاظتی - حراستی نفت و گاز کارون در اهواز با خواست فوری تبدیل وضعیت و خروج از حالت موقت و حجمی و افزایش حقوقها مقابل استانداری و فرمانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران هفده سال است که در شرکت نفت و گاز کارون به‌صورت حجمی و موقت، و بدون داشتن امنیت شغلی با دستمزدهای نازل در این شرکت به کار اشتغال دارند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: حذف پیمانکاران نفت، تبدیل وضعیت و خروج از حالت موقت و حجمی، بازنگری در طرح طبقه‌بندی، مانند همکاران ارکان ثالث، افزایش مزد و پرداخت همزمان حقوق و مطالبات کارگران در سامانه جامع حقوق، تعیین تکلیف کارگران در سامانه سایر دولت.

- بر اساس اطلاعیه کارگروه اضطرار، آلودگی هوای خوزستان، فعالیت مدارس و دانشگاه‌های ۱۴ شهرستان استان خوزستان در این روز، در نوبت عصر حضوری شد. شدت آلودگی هوا کار و معیشت مردم در این استان را دچار اختلال جدی کرده است.

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت

- بازنشستگان نفت در منطقه امانیه اهواز در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواست‌هایشان تجمع کردند و با شعار "مردم بندرعباس تسلیت، تسلیت" همبستگی خود را با مردم مصیبت‌دیده این شهر ابراز کردند.

دوشنبه ۸ اردیبهشت:

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه اعتراضاتشان به فقر و بی‌تامینی و کل بساط تبعیض، نابرابری، و چپاول و سرکوب حاکم، برای یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده‌اند.

شنبه ۶ اردیبهشت

- جمعی از زندانیان زندان بهبهان اعلام کردند که به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوسته و از سه‌شنبه ۹ اردیبهشت در اعتصاب غذا شرکت خواهند کرد.

- امیر خلفیان، دادستان اهواز، وثیقه‌ای به مبلغ ۸۰ میلیارد تومان (معادل تقریبی یک میلیون دلار آمریکا) برای عبدالامام زائری، زندانی سیاسی عرب اهوازی، تعیین کرده است که تهیه چنین مبلغ عظیمی برای خانواده او غیرممکن است. این تصمیم در پی درخواست مرخصی استعلاجی برای این زندانی اتخاذ شده است

جمعه ۵ اردیبهشت

- روغن خوراکی هم نایاب شد. از جمله گزارش‌های امروز از کمبود شدید روغن نباتی در فروشگاه‌ها و مراکز توزیع شهرهای مختلف استان خوزستان خبر می‌دهد. این بحران باعث نارضایتی شدید مردم شده است. به‌ویژه روغن، یکی از کالاهای اساسی سفره مردم است و کمبود آن مشکلات جدی‌ای ایجاد کرده است. آب قطع، برق جیره‌بندی، و روغن نایاب است. این وضع خوزستان و مردم در همه جاست.

واحد خوزستان - کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۲ مه ۲۰۲۵

- در آستانه روز جهانی کارگر بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته تجمعات سراسری خود را برگزار کردند. در این روز در اهواز نیز بازنشستگان مخابرات تجمع داشتند و با فریاد "مردم بندرعباس تسلیت، تسلیت"، حمایت و همبستگی خود را با مردم این شهر و خانواده‌های جان‌باختگان فاجعه جنایت کار انفجار در بندر جایی اعلام داشتند.

- به گفته قاجانلو معاون وزیر نفت، شرکت فولاد خوزستان ۲۵ درصد از تولید خود را به دلیل کمبود برق و گاز در سال گذشته از دست داد. او نگرانی خود را از تداوم این جریان در سال‌های آینده و تبعات اجتماعی بیان کرد. حکومت مافیایی جمهوری اسلامی توان اداره جامعه را از دست داده است. بحث بر سر جیره‌بندی آب و برق و گاز، این نیازهای حیاتی مردمی است. بحث بر سر قطعی‌های ممتد برق و تعطیلی مراکز تولیدی و سونامی بیکاری و مختل شدن زندگی و چرخش جامعه است. این معضل بر خشم و اعتراض جامعه شدت داده است.

یکشنبه ۷ اردیبهشت

- در آستانه روز جهانی کارگر بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری خواست‌های خود در چندین شهر، از جمله در اهواز و شوش تجمع اعتراضی برپا کردند.

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به هم ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه‌جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده‌تر است.

شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراهای در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است. شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده‌های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش‌های جامعه را فرامی‌خواند که در هر شهر و محلی که می‌توانند، دست به کار ایجاد شوراهای شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می‌کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید